ماشاء الله لا قوة الا بالله

از تصانیف عارف بالله سید آمد اهل الله قاضی ثناء الله پانی پتی رحمة الله علیه

حقیقة الاسلام

در حاشیه رساله مسمی به استغفار

اخذ جبر و قرآن

بفرمایش تاجران نامی فقیر الله و عبد العزیز و ابن احمد جان زادهم الله قدرا و سعیا

در مطبع صوفی محمد [illegible] لاهور مطبوع گردید

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العلمين الرحمن الرحيم ملك يوم الدين والصلوة والسلام على سيد المرسلين
وامام المتقين خير خلق الله اجمعين وعلى اله واصحابه سرج الدين ونجوم الطريق المستقيم
بدان اسعدك الله تعالى في الدارين كه اسلام كامل عبارتست از آنكه تسلم كل ذي حق حقه
يعني آنكه هر صاحب حق را سالم و كامل ادا كني بي تقصير و بي فتور قسم اول از حقوق حق الله است اول حق
الله تعالى ادا كني كه وجود و توابع وجود هر چه هست عطاي اوست لا شريك له هر نفسي كه فرو ميرود
ممد حياتست و چون بر مي آيد مفرح ذات پس در هر نفسي دو نعمت موجود است و بر هر نعمتي شكري
واجب است از دست و زبان كه بر آيد * كز عهده شكرش بدر آيد * پس اگر توفيق شكر نعمتي
از نعما يابي خواه بزبان يا بجوارح يا بدل از مواهب اوست تعالى شانه توفيق شكر هم از مواهب اوست پس
در هر شكر چندين شكر واجب شود و بيرون آمدن از عهده شكر او تعالى محالست مستلزم تسلسل قال الله
تعالى وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان الله لغفور رحيم يعني اگر بشمريد نعمتهاي خدا
را نتوانيد احاطه كرد و بدرستيكه حق تعالى بخشنده مهربانست در كلمه غفور رحيم اشارتست بدانكه حق تعالى
بفضل و رحمت خود تكليف ما لا يطاق نداده و اداي حق شكر بخشيده و معاف فرموده و بقدر وسع
شكر واجب ساخته هر كسيكه بقدر طاقت انساني در اداي شكر او كوشيد بفضل و رحمت خود او را شكور
بصيغه مبالغه خوانده چنانچه در حق نوح عليه السلام فرموده انه كان عبدا شكورا يعني بود نوح
عليه السلام بنده بسيار شكر كننده و هر كه در مقدور خود از شكر او تقصيري ورزد سخت ظالم و بغايت
كافر نعمت باشد كه در شكر نعمتهاي غير متناهي چنين منعم از اداي شكر يعني از مقدور تقصير كرده قال
الله تعالى وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها ان الانسان لظلوم كفار يعني اگر بشمريد
نعمتهاي خدا را نتوانيد احاطه كرد بدرستيكه انسان يعني اكثر ايشان هر آينه سخت ظالم و بسيار كافر نعمت
نعمتهاي او را بس عاجز مي اند شكر كه از بندگان مطلوبست آنست كه او سبحانه را بصفات كمال او مطلع

نفس الامر بقدر طاقت بشری بشناسند و از اعتقادات و اخلاق و اعمال آنچه مرضیات او ست
بوجود آرند آنچه که بر ذمه عباد از ان واجب ساخته است آنرا بصفات کمال ادا سازند و از
مکروهات و منهیات جناب او پرهیز کنند و رضای او تعالی بر رضامندی نفس خود
و رضای هر مخلوق مقدم دارند تا بروز عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ شرمسار نگردند
یعنی نفس هر کس در روز قیامت خواهد دانست که چه چیز را مقدم داشته و چه چیز را موخر
کرده رضای نفس بر رضای خدا یا رضای خدا بر رضای نفس قال الله تعالی
قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا
وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ
فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ یعنی بگو ای محمد اگر باشند پدران شما و پسران
شما و برادران شما و زنان شما و قبایل شما و مالهائی که کسب کرده اید و سوداگری که میترسید
از فوت شدن منفعت آن و خانهائی که پسند شماست دوست تر نزد شما از خدا و رسول او
و جهاد کردن و کوشش نمودن در مرضیات او پس منتظر باشید وقت آمدن امر و قضای
او بعذاب در دنیا یا در آخرت مسلمانرا باید که هر کرا دوست دارد برای خدا دوست دارد
و هر کرا دشمن دارد برای خدا دشمن دارد و هر کرا چیزی بدهد برای خدا بدهد و هر کرا ندهد برای
خدا ندهد و لقمه اگر در دهن خود یا در دهن زن یا فرزند خود نهد باین نیت دهد که حقتعالی
بر من واجب کرده است رسول فرمود مَنْ أَحَبَّ لِلَّهِ وَأَبْغَضَ لِلَّهِ وَأَعْطَى لِلَّهِ وَمَنَعَ
لِلَّهِ فَقَدِ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ ابوداود و از ابی امامه و ترمذی از معاذ این حدیث را روایت
کرده اند یعنی هر که دوست دارد برای خدا و دشمن دارد برای خدا و بدهد برای خدا و ندهد برای خدا
پس بتحقیق ایمان خود را کامل کرده و رسول فرموده إِذَا أَنْفَقَ الْمُسْلِمُ نَفَقَةً عَلَى أَهْلِهِ
وَهُوَ يَحْتَسِبُهَا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةً متفق علیه عن ابن مسعود یعنی اگر خرچ کرد مسلم بر اهل خانه
خود بنیت عبادت باشد او را صدقه فصل چون شناختن ذات و صفات و مرضیات و
مکروهات حق سبحانه و تعالی بی توسط پیغمبران صورت نه بندد و عقل در آن کافی نیست از آنجهة
ایمان بکتب الهی و رسل و بما جاء به الرسل داخل ایمان بحق شده رسول فرمود صلعم فرستادگان
قبیله عبد القیس را أَتَدْرُونَ مَا الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَحْدَهُ یعنی میدانید که ایمان بخدا چیست
تنها گفتند خدا و رسول او دانا تر فرمود شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ

[illegible] بخاری و [illegible]

[illegible] رسالت محمد رسول الله متفق علیه عن ابن عباس و اطاعت
رسول الله اطاعت خدا گشته قال الله تعالی مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللهَ یعنی هر که
فرمان برداری کند رسول را او فرمان برداری خدا کرد و محبت رسول الله صلعم در رنگ محبت
خدا بلکه عین محبت او تعالی شده رسول فرموده صلعم لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ
إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ متفق علیه عن انس یعنی ایمان یکی از
شما صحیح نباشد تا دوست تر باشم نزد او از والد و فرزند او و از تمام آدمیان پس ادای حق
رسول الله صلعم هم از طوق بشر خارج است اما مطلوب بقدر طاقت و آن امتثال اوامر و
نواهی اوست و کثرت صلوة و سلام بر وی و محبت به آل و اصحاب او فصل پس بدانکه
چون شناختن ذات و صفات و مرضیات و مکروهات بتوسط رسول صلعم رسیده خصوصا
بسعی خلفاء راشدین دین قوت و رونق گرفته و اقوال و افعال او علیه السلام که بعضی صحابه
را معلوم بود و اکثر را معلوم نبود از سعی آنها شهرت گرفته مسائل خلافیه مجمع علیه گشته که
در هر مسئله صحابه را جمع کرده تحقیق کرده شد و هیچ نمیکردند پس ادای حق صحابه و اهلبیت علیهم
ادای حق رسولیت و محبت و اطاعت شان مثل محبت و اطاعت رسول گشته فرموده
رسول صلعم مَنْ أَحَبَّهُمْ فَبِحُبِّي أَحَبَّهُمْ وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَبِبُغْضِي أَبْغَضَهُمْ وَمَنْ آذَاهُمْ فَقَدْ
آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللهَ رواه الترمذی عن عبد الله بن مغفل و فرموده
اقْتَدُوا بِاللَّذَيْنِ مِنْ بَعْدِي أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ رواه مسلم والترمذی عن حذیفه یعنی هر که
دوست دارد اصحاب را پس بدوستی من آنها را دوست داشته و هر که آنها را دشمن
داشته پس بدشمنی من آنها را دشمن داشته و هر که آنها را ایذا کرده پس بدبختی مرا ایذا کرده
و هر که مرا ایذا کرده پس بدبختی که خدا را ایذا کرده و فرموده پیروی کنید بهر دو خلیفه که بعد
من باشند ابوبکر و عمر و فرموده عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ مِنْ بَعْدِي
یعنی لازم گیرید سنت من و سنت خلفاء الراشدین را که بعد من باشند و فرموده أَنَا مَدِينَةُ
الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا رواه الطبرانی والحاکم عن ابن عباس من شهر علمم و علی دروازه اوست
و فرموده إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللهِ وَعِتْرَتِي رواه احمد والطبرانی عن زید بن
ثابت یعنی میگذارم بعد خود نزد شما دو وسیله محکم یکی قرآن عظیم دوم عترت خود و فرموده صلی
الله علیه وسلم خُذُوا نِصْفَ الْعِلْمِ مِنْ هٰذِهِ الْحُمَيْرَاءِ بگیرید نصف علم از این حمیرا یعنی

عائشه رضی الله تعالی عنها فرمود صلی الله علیه وسلم اَصْحَابِی کَالنُّجُومِ بِاَیِّهِمُ اقْتَدَیْتُمْ
اِهْتَدَیْتُمْ رواه رزین عن عمر رض یعنی اصحاب من مانند ستارگان اند هر که از آنها پیروی
کنید بهدایت رسید اینچنین احادیث بسیار اند فصل همچنین ادای حق علما محدثین و
فقهای مجتهدین و مصنفان کتب دین و سلسله اساتذه علوم ظاهر و پیران اساتذه علوم باطن
و رنگ حق صحابه و اهلبیت داخل ادای حق خدا و رسول است که اینها وارثان پیغمبر و حاملان
دین اند قال رسول صلی الله علیه وسلم اِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْاَنْبِیَاءِ وَاِنَّ الْاَنْبِیَاءَ لَمْ یُوَرِّثُوا
دِیْنَارًا وَلَا دِرْهَمًا وَاِنَّمَا وَرَّثُوا الْعِلْمَ رواه اصحاب السنن عن کثیر بن قیس یعنی بدرستیکه
علما وارثان انبیا اند و بدرستیکه انبیا میراث نگذاشته اند دینار و نه درهم را و جز این نیست
که میراث گذاشته اند علم را و قال علیه السلام فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَی الْعَابِدِ کَفَضْلِی عَلٰی اَدْنَاکُمْ ثُمَّ
تلا اِنَّمَا یَخْشَی اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ رواه الترمذی عن ابی امامة والدارمی عن مکحول
والحسن مرسلا یعنی فرمود آنحضرت فضیلت عالم بر عابد مانند فضیلت منست بر ادنی مسلمان
پستر خواند آیه یعنی نمی ترسند از خدا از جمله بندگان او مگر عالمان و فرموده رسول صلی الله علیه
وسلم اِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا یعنی حق تعالی مرا نفرستاده است مگر برای تعلیم کردن و رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم اَللّٰهُ اَجْوَدُ جُوْدًا وَاَنَا اَجْوَدُ بَنِیْ اٰدَمَ وَاَجْوَدُهُمْ بَعْدِیْ رَجُلٌ عَلِمَ
عِلْمًا فَنَشَرَهُ یَاْتِیْ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ اُمَّةً وَّاحِدَةً رواه البیهقی عن انس یعنی الله تعالی
جوادتر است و من جوادترین آدمیانم و جوادتر آدمیان بعد من مردی باشد که علم آموخت و
در مردم پراگنده کرد روز قیامت بیاید جماعتی تنها ظاهر مراد آنست که هر چند امتی نیست نبی
نیست که امت او می باشد اما جماعت تلامذه مثل امت باشند و فرمود رسول صلی الله علیه
وسلم یُوْزَنُ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ وَدَمُ الشُّهَدَاءِ فَیَرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلٰی دَمِ
الشُّهَدَاءِ رواه الذهبی عن عمران بن حصین یعنی وزن کرده خواهد شد روز قیامت
سیاهی علما و خون شهیدان پس سیاهی علما غالب شود بر خون شهیدان اطاعت علما و
اولیا اطاعت خدا و رسول است صلی الله علیه وسلم و محبت شان قال الله تعالی یا ایها
الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اَطِیْعُوا اللّٰهَ وَاَطِیْعُوا الرَّسُوْلَ وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ یعنی فرمان برداری
کنید خدا را و رسول خدا را و کسانی را که امر شما به بندگان میرسانند یعنی رسول الله صلی الله
علیه وسلم و اصحاب و اهلبیت او علیهم السلام و علمای ظاهر و باطن بندگان خدا اند حقوق را

شان اخل حقوق العباد است اما حق است بحق الله تعالی اگر اینها نبودند کسی خدا را نشناختی
وحق الله ادا نمیکرد و رسول فرمود لولا الله ما اهتدینا ولا تصدقنا ولا صلینا
یعنی اگر نمی بود هدایت خدا با نزال کتب و ارسال رسل کسی ایمان نمی یافت و کسی ادا نمی کرد و نماز
نمیکرد و اینها مستغرق‌اند و بذکر خدا از دیدن اینها خدا یاد می آید و دوستی و دشمنی با خدا است و در حدیث
قدسی آمده من عادی ولیا فقد آذنته بالحرب رواه البخاری عن ابی هریرة یعنی هر که دشمنی
کند با ولی من پس خبر داده ام او را بجنگ کردن با من و نیز در حدیث قدسی آمده اولیائی من
عبادی الذین یذکرون بذکری وأذکر بذکرهم رواه البغوی یعنی اولیای من
از بندگان من کسانی هستند که یاد کرده شوند بیاد کردن من و من یاد کرده شوم از یاد کردن آنها
همچنین در حدیث نبوی آمده صلی الله علیه وسلم قسم دوم قسمی دیگر از حقوق العباد حق کسانی
است که مظهر بعضی از حقوق الله آمده اند و در ظاهر واسطه افتاده اند در ایجاد و پرورش و روزی
رسانیدن و مانند آن چنانچه مادر و پدر و اجداد و جدات و کسانیکه در ظاهر حقتعالی بتوسط شان
روزی رساند یا از آنها پرورش کناند یا نوعی از انعام مالی یا راحت بدنی یا عزتی یا منفعتی از
منافع بتوسط شان رساند شکر اینها هم مثل مادر و پدر واجب است رسول فرموده من لم یشکر الناس لم یشکر
الله رواه مسلم والترمذی عن ابی سعید الخدری یعنی هر کس که شکر آدمیان نکند شکر خدا نکرده فصل
در ذکر آن حقوق والدین قال الله تعالی ووصینا الانسان بوالدیه حملته امه وهنا علی وهن
وفصاله فی عامین ان اشکر لی ولوالدیک یعنی امر کردیم انسان را آنکه نکوئی کند با مادر و پدر
نکوئی کردنی مادر او در شکم بر داشت او را بمشقت بر مشقت و دو سال او را شیر داده و شکر کن
برای من و برای مادر و پدر خود این حکم در قرآن چندجا آمده رسول ع در کبایر ذکر کرده اشراک و عقوق
والدین متفق علیه عن عبد الله بن عمرو عقوق عبارتست از ایذا کردن و نافرمانی کردن معنی عق
بالتشدید شق و قطع است ضد بر و صله و احمد از معاذ بن جبل روایت کرده که رسول ع بده چیز وصیت
کرده از انجمله گفت لا تشرک بالله شیئا وان قتلت او حرقت ولا تعقن والدیک وان امراک
ان تخرج من اهلک ومالک الحدیث یعنی شریک مکن بخدا چیزی را اگرچه کشته و سوخته شوی
و نافرمانی والدین مکن اگرچه امر کنند ترا با نکه بیرون شوی از اهل و مال خود و در صحیحین از ابی هریرة
روایت کرده که مردی از رسول صلی الله علیه وسلم پرسید که زیاده حق برای نیکو صحبتی کیست فرمود مادر
مادر تو گفت پستر کیست فرمود مادر تو گفت پستر کیست گفت مادر تو گفت پستر کیست گفت پدر تو پستر اقرب

بعد از قرب و رسول فرمود رَغِمَ اَنْفُهُ رَغِمَ اَنْفُهُ رَغِمَ اَنْفُهُ یعنی سه بار فرمود خاک آلوده باد بینی او
گفتند آن کیست یا رسول الله فرمود مَنْ اَدْرَكَ وَالِدَيْهِ عِنْدَ الْكِبَرِ اَحَدَهُمَا اَوْ كِلَاهُمَا ثُمَّ لَمْ
يَدْخُلِ الْجَنَّةَ رواه مسلم عن ابی هریرة یعنی کسیکه مادر و پدر را یکی یا هر دو در پیری یافت و داخل بهشت
نشد و نیز از ابن عمر روایت کرده که مردی گفت یا رسول الله از من گناهی عظیم به وقوع آمده
توبه من چگونه باشد فرمود ترا مادر هست گفت نه فرمود که خاله هست گفت هست فرمود با وی نکوئی
کن و قال رسول الله مَنْ اَصْبَحَ مُطِيعًا لِلّٰهِ فِي وَالِدَيْهِ اَصْبَحَ لَهُ بَابَانِ مَفْتُوحَانِ مِنَ
الْجَنَّةِ وَاِنْ كَانَ وَاحِدًا فَوَاحِدًا وَمَنْ اَمْسٰى عَاصِيًا لِلّٰهِ فِي وَالِدَيْهِ اَصْبَحَ لَهُ بَابَانِ مَفْتُوحَانِ
مِنَ النَّارِ وَاِنْ كَانَ وَاحِدًا فَوَاحِدًا هر که باشد فرمانبردار خدا در ادای حقوق والدین باشند برای او
دو دروازه کشاده بسوی بهشت و اگر یکی باشد یکی باشد و هر که باشد نافرمان خدا در ادای حقوق
والدین باشند برای او دو دروازه کشاده بسوی آتش و اگر یکی باشد یکی باشد مردم گفتند یا رسول
الله اگر پدر و مادر برو ظلم کنند فرمود وَاِنْ ظَلَمَاهُ وَاِنْ ظَلَمَاهُ وَاِنْ ظَلَمَاهُ یعنی سه بار گفت
اگرچه برو ظلم کنند و فرمود صلی الله علیه وسلم مَا مِنْ وَلَدٍ بَارٍّ يَنْظُرُ اِلٰى وَالِدَيْهِ نَظْرَةَ رَحْمَةٍ
اِلَّا كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حَجَّةً مَبْرُوْرَةً یعنی نیست هیچ پسر نیک که نظر کند بسوی والدین
بمهر و شفقت مگر آنکه بنویسد حق تعالی برای او عوض هر نظر ثواب یک حج پاکیزه از گناه مردم گفتند یا رسول الله
اگرچه ببیند هر روز صد بار فرمود نَعَمْ اللّٰهُ اَكْبَرُ وَاَطْيَبُ یعنی آری حق تعالی بزرگتر است و خوبتر
روایت کرده هر دو حدیث را بیهقی از ابن عباس شخصی گفت یا رسول الله من اراده جهاد دارم
فرمود که ترا مادر هست گفت هست فرمود که خدمت او باش بهشت نزد قدم اوست حدیث
نبوی اِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ اَقْدَامِ اُمَّهَاتِكُمْ روایت کرد این را بیهقی از معاذ بن جبل ابن
عمر گفت یا رسول الله مرا زنی هست که من ورا دوست میدارم و پدرم او را مکروه میدارد فرمود
که او را طلاق ده و ترمذی و ابو داود روایت از ابن عمر آورده مردی از رسول خدا پرسید که حق
مادر و پدر چیست فرمود که آنها بهشت و دوزخ تو اند این را ابن ماجه از ابی امامه روایت کرده
مردی پیش رسول آمد و گفت که پدر من محتاج است بسوی مال من یعنی میخواهد که مال من بگیرد فرمود
اَنْتَ وَمَالُكَ لِاَبِيْكَ اِنَّ اَوْلَادَكُمْ مِنْ اَطْيَبِ كَسْبِكُمْ كُلُوْا مِنْ كَسْبِ اَوْلَادِكُمْ رواه ابو داود
و ابن ماجه عن عمرو بن شعیب عن ابیه عن جده یعنی تو و مال تو برای پدر تست بدرستیکه اولاد شما از پاکیزه
ترین کسب شما است بخورید شما از کسب اولاد خود و نفقه مادر و پدر و اجداد و جدات که مفلس

باشند که قدرت بر کسب نداشته باشند بر فرزند حر عاقل بالغ که قدرت بر کسب داشته باشد واجب
است اگرچه کافر باشد از اہل ذمہ در صحیحین است که اسماء بنت ابی بکر روایت کرده که از رسول کریم پرسید که
مادر من آمده است و کافره است صله با وی کنم فرمود آری لیکن امتثال امر و رضاجوئی آنها واجب مگر در
معصیت و ترک فرایض ترمذی از عبداللہ بن عمر روایت کرده که فرمود رسول صلی اللہ علیه وسلم رضای
خدا در رضامندی پدر است و ناخوشی خدا در ناخوشی پدر است حق تعالی فرموده وَإِنْ جَاهَدَاكَ
عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا یعنی اگر جنگ
کنند پدر و مادر تو بر اینکه شریک گوئی با من چیزی را که تو علم نداری بآن یعنی علم بتوحید داری پس در این
امر فرمانبرداری آنها مکن و در دنیا صحبت بخوبی با آنها کن رسول صلعم فرموده لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ
فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ رواه احمد والحاکم عن عمران والحکم عن عمرو الغفاری و فی صحیحین لَا طَاعَةَ
لِأَحَدٍ فِي مَعْصِيَةِ اللهِ إِنَّمَا الطَّاعَةُ فِي الْمَعْرُوفِ یعنی جایز نیست فرمانبرداری کسی از
مخلوقات در نافرمانی خدا طاعت جایز نیست مگر آنچه در شرع جایز است **فصل** از جمله حقوق
پدر دوستی کردن است با دوستان پدر و نکوئی کردن با دوستان پدر در غیبت او و صله عبارت است
از آنچه موجب وصلت و اخلاص باشد از رعایت مالی و خدمت بدنی و حسن اخلاق **فصل**
در حق اقربا و از جمله حقوق پدران و مادران است صله و نکوئی با اولاد آنها یعنی با برادران و خواهران
و خالات پدر و مادر و اولاد شان و همچنین الاقرب فالاقرب یعنی هر قدر که در نسب قریب تر باشد
حق او زیاده تر باشد حق تعالی فرموده در چند جا وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ یعنی بده صاحب قرابت را
حق او و لهذا هر کس که غنی باشد واجب است بروی نفقه ذی رحم محرم که فقیر باشد و بر کسب قدرت
نداشته باشد اگر مسلم باشد قال اللہ تعالی وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَٰلِكَ یعنی بر وارث نفقه واجب است
مثل نفقه اولاد و هر کس که ذی رحم محرم خود را مالک شود بمجرد مالک شدن آزاد گردد و اگرچه کافر باشد
قال علیه السلام مَنْ مَلَكَ ذَا رَحِمٍ مَحْرَمٍ عَتَقَ عَلَيْهِ رواه احمد وابوداود والحاکم عن سمرة یعنی
هر که مالک شود ذی رحم محرم خود را بر وی آزاد شود و جمع کردن دو زن ذی رحم محرم حرام است که موجب
قطع رحم میشود و از اقربا هر کس که محرم نیست گو نفقه او واجب نیست لیکن صله او واجب است و قطع رحم
حرام است و ناموافقت آنها جایز نیست عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ خَلَقَ اللهُ الْخَلْقَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْهُ قَامَتِ الرَّحِمُ فَأَخَذَتْ بِحَقْوِ الرَّحْمٰنِ
فَقَالَ مَهْ قَالَتْ هٰذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ الْقَطِيعَةِ قَالَ أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ أَصِلَ

در بیان حقوق پدر و مادر و اقربا

مَنْ وَصَلَكِ وَأَقْطَعُ مَنْ قَطَعَكِ قَالَتْ بَلَى يَا رَبِّ قَالَ فَذَاكِ متفق علیه یعنی خدای تعالی پیدا
کرد خلق را و هرگاه که حق تعالی از پیدا کردن خلق فارغ شد رحم برخاست و حقوی حق را گرفت حقو بند
ازار را گویند و این مجاز است مراد آنست که التجا باو نمود و پناه جست عرب میگوید عذت بحقو فلان
یعنی پناه جستم بسوی فلان حق تعالی رحم را فرمود که چه میخواهی گفت که ایستاده ام اینجا پناه جویان از قطع فرمود که آیا
راضی نمیشوی باینکه من صلت کنم با آنکه وصل کند ترا و قطع کنم از هر که قطع کند ترا گفت که راضی شدم
ای رب فرمود همچنین کنم و در حدیث قدسی آمده أَنَا اللهُ وَأَنَا الرَّحْمٰنُ خَلَقْتُ الرَّحِمَ وَشَقَقْتُ
لَهَا مِنِ اسْمِي فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتُهُ وَمَنْ قَطَعَهَا بَتَتُّهُ رواه ابوداود والترمذی واحمد والحاکم
عن عبد الرحمن بن عوف والحاکم عن ابی هریره یعنی من الله ام من رحمن ام رحم را پیدا کرده و از نام
خود نام او برآورده ام پس هر که او را وصل کند من با وی وصل کنم و هر که او را قطع کند من از وی قطع کنم و
بخاری از ابی هریره از رسول صلعم روایت کرده که فرمود الرَّحِمُ شِجْنَةٌ مِنَ الرَّحْمٰنِ فَقَالَ اللهُ مَنْ
وَصَلَكِ وَصَلْتُهُ وَمَنْ قَطَعَكِ قَطَعْتُهُ یعنی رحم اتصالی دارد بی کیفیت با خدا حق تعالی فرمود
یعنی هر که ترا وصل کند من با وی وصل کنم و هر که ترا قطع کند من از وی قطع کنم و از عائشه رضی الله عنها
در صحیحین مثل آنست و در صحیحین از جبیر بن مطعم مرویست که فرمود رسول صلعم قاطع رحم داخل بهشت نشود و
بیهقی از عبد الله بن ابی اوفی روایت کرده که آنحضرت فرمود صلعم که رحمت نازل نمیشود بر قومیکه در آنها یک کس
قاطع رحم میباشد و در وجوب صله رحم و حرمت قطع احادیث بسیار وارد شده لهذا بر هر کس لازم که
بنسبت خویشاوندان باشند تا صله رحم کند و قطع از وی بظهور نیاید فائده رسول فرمود صلعم حق برادر
بزرگ بر برادر خورد مثل حق پدر است بر پسر این حدیث در بیهقی از سعید بن عاص روایت کرده حق
سبحانه بر کسیکه فساد کند در زمین و بر قاطع رحم لعنت کرده و گفته فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا
فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمٰى أَبْصَارَهُمْ یعنی
قریب است که اگر رو گردانی کنید از حکم خدا آنکه فساد کنید در زمین و قطع کنید ارحام خود را آنها
که لعنت کرده بر آنها حق تعالی پس کر نمود آنها را که حق نمیشنوند و کور کرد چشمهای آنها را که حق را
نمی بینند امام احمد حنبل رحمة الله علیه بر یزید جایز گفته و با وجود قبایح بیشمار یزید بنا بر قطع رحم باین آیه
بر جواز لعنت او استدلال کرده سوال اگر دو قریب اگر یکی را دوم بدسلوکی کند و قطع رحم نماید دوم را
از وی قطع جایز باشد یا نه جواب دوم را لازم که صله کند و قطع نکند و وبال قطع رحم بر قاطع رحم
خواهد شد زیرا که صله بر واصل است رسول فرمود لَيْسَ الْوَاصِلُ بِالْمُكَافِي وَلٰكِنَّ الْوَاصِلَ الَّذِي

إِذَا قُطِعَتْ رَحِمُهُ وَصَلَهَا رواه البخاري عن ابن عمر یعنی واصل آن نیست که در مقابله نکوئی
نکوئی کند واصل آنست که اگر قطع کرده شود رحم او وصل کند یعنی عوض بدی نیکی کند بسبب بدی
بدی سهل باشد جزاء اگر بدی احسن الی من اساء مسلم از ابا هریره روایت کرده که مردی
از رسول صلعم گفت که یا رسول الله مرا اقربا هستند من صله آنها میکنم و آنها از من قطع میکنند
و من با آنها نکوئی میکنم و آنها بدی میکنند و من از آنها حلم میکنم و آنها بمن جهل میکنند آنحضرت
فرمود صلعم لَئِنْ كُنْتَ كَمَا قُلْتَ فَكَأَنَّمَا تُسِفُّهُمُ الْمَلَّ وَلَا يَزَالُ مَعَكَ مِنَ اللهِ ظَهِيرٌ عَلَيْهِمْ
مَا دُمْتَ عَلَى ذَلِكَ یعنی اگر همچنین است که تو میگوئی پس گویا تو میخورانی آنها را خاکستر گرم یعنی تو می
خورانی که هلاکت آنها آنست و همیشه ترا از خداوند مددگاری خواهد بود بر آنها مادامیکه برین
خصلت باشی فائده صله رحم سوای ثواب در آخرت در دنیا فواید بسیار دارد و رسول فرمود صلعم مَنْ
أَحَبَّ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَيُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ متفق علیه عن انس یعنی هر که خواهد
که فراخ شود رزق او و باقی ماند ذکر او از ماندن اولاد و ماندن ذکر کنندگان خیر پس باید که صله رحم
کند و رسول فرمود صلعم تَعَلَّمُوا مِنْ أَنْسَابِكُمْ مَا تَصِلُونَ بِهِ أَرْحَامَكُمْ فَإِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ مَحَبَّةٌ
فِي الْأَهْلِ مَثْرَاةٌ فِي الْمَالِ مَنْسَأَةٌ فِي الْأَثَرِ رواه الترمذی عن ابی هریره یعنی قرابتهای خود
را دانسته باشید تا صله رحم کنید که صله رحم موجب محبت است در اهل و موجب زیادت است در مال
و بقای ذکر و قاطع رحم را سوای آنکه عذاب باشد در آخرت وبال در دنیا هم لاحق شود رسول فرمود
صلعم مَا مِنْ ذَنْبٍ أَحْرَى أَنْ يُعَجِّلَ اللهُ لِصَاحِبِهِ الْعُقُوبَةَ فِي الدُّنْيَا مَعَ مَا يَدَّخِرُ لَهُ فِي
الْآخِرَةِ مِنَ الْبَغْيِ وَقَطِيعَةِ الرَّحِمِ رواه الترمذی و ابو داود عن ابی بکرة یعنی گناهی
نیست لایق تر بآنکه عقوبت و وبال رسد صاحب او را در دنیا با آنکه ذخیره داشته باشد عذاب برای
او در آخرت از بغی کردن با بادشاه عادل و قطع کردن رحم و نیز بیهقی از ابی بکره روایت کرده که
فرمود کُلُّ الذُّنُوبِ يَغْفِرُ اللهُ مِنْهَا مَا شَاءَ إِلَّا عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ فَإِنَّهُ يُعَجِّلُ لِصَاحِبِهِ فِي
الْحَيَاةِ قَبْلَ الْمَمَاتِ یعنی هر گناه که باشد می بخشد خدا تعالی او را آنچه خواهد مگر عقوق الدین پس بتحقیق
که جلد میرساند او را عذاب زندگی پیش از مرگ فصل چون نظر بحقوق پدر و مادر صله برادران و خواهران
و دیگر اقربا واجب شد نظر بحقوق رسول و خلفا و پیران و استادان صله و نکوئی با جماعه سادات و مشایخ
و فرزندان پیران و استادان هم ضرور است قال الله تعالی قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ
فِي الْقُرْبَى بگو ای محمد نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت مزدوری لیکن دوستی داشتن در اقربای من شمارا

حقوق پیران و استادان و خلفا و سادات

نیاید قال الله تعالی قُلْ اِنْ کَانَ لِلرَّحْمٰنِ وَلَدٌ فَاَنَا اَوَّلُ الْعَابِدِیْنَ یعنی بگو ای محمد کسانرا
راکه خدا را ولد ثابت میکنند تعالی الله عن ذلک اگر رحمن را اولاد میبود من اول عبادت او کردمی
حقتعالی از آن منزه است ازین آیه مستفاد میشود که هر کرا حقی بر ذمه شخصی باشد باید که اولاد ادای حق
کنند سوال از اولاد سادات و پیرزادگان اگر کسی فاسق یا کافر یا رافضی باشد با او چه سلوک باید کرد جواب
اگر فاسق باشد نصیحت باید کرد و ادای حق باید نمود و اگر رافضی مانند آن باشد که بکفر رساند با او دوستی
نباید نمود حقتعالی میفرماید یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ قَدْ یَئِسُوْا
مِنَ الْاٰخِرَةِ کَمَا یَئِسَ الْکُفَّارُ مِنْ اَصْحَابِ الْقُبُوْرِ یعنی ای مسلمانان دوستی مکنید با قومی که
خدا غضب کرده بر آنها بدرستیکه نا امید اند از آخرت چنانکه نا امید هستند کفار از اصحاب قبور و حقتعالی
میفرماید در حق پسر نوح علیه السلام اِنَّهُ لَیْسَ مِنْ اَهْلِكَ اِنَّهُ عَمَلٌ غَیْرُ صَالِحٍ و رسول فرمود صلعم
اِنَّ اٰلَ اَبِیْ فُلَانٍ لَیْسُوْا لِیْ بِاَوْلِیَاءَ اِنَّمَا وَلِیِّیَ اللّٰهُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِیْنَ وَلٰکِنْ لَهُمْ رَحِمٌ اَبُلُّهَا
بِبِلَالِهَا متفق علیه عن عمرو بن العاص یعنی آل ابی فلان نیستند مرا اولیا و دوستان دوست
من خداست و صالح مسلمانان لیکن آنها را با من قرابت صله رحم میکنم ازین حدیث مفهوم
میشود که سادات و پیرزادگان اقربای خود اگر کافر باشند یا رافضی یا خارجی که بکفر رساند دوستی با آنها نباید
کرد و لیکن صله و احسان منع نباید کرد و قال الله تعالی لَا یَنْهٰىکُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِیْنَ لَمْ یُقَاتِلُوْکُمْ فِی
الدِّیْنِ وَلَمْ یُخْرِجُوْکُمْ مِّنْ دِیَارِکُمْ اَنْ تَبَرُّوْهُمْ وَتُقْسِطُوْا اِلَیْهِمْ اِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطِیْنَ
یعنی بر کفار اهل ذمه احسان کردن و نکوئی کردن ممنوع نیست فصل ملحق بحق والدین است حق رضیع
که حق سبحانه تعالی حرام کرده است از رضاع آنچه حرام کرده از نسب جمع بین الاختین در نکاح حرام است رضاعا چنانکه
بین الاختین نسبا حرام است تا موجب قطع نباشد ابی داود از ابی الطفیل روایت کرده رسول الله صلعم جامه خود
جا در خود فرش کرد و برآن نشانید قسم ثالث قسم دیگر از حقوق حق کسانیکه حق تعالی آنها را مظهر قهاری
و مالکیت خود ساخته و آن حق سلطان مسلم و امیر مسلم و حق قاضی است بر رعیت و حق شوهر بر زن است حق سید
بر عبید و حق قهرمان خانه بر تمام اهل بیت که بندوبست ملک شهر و خانه و صورت قهری تعلق دارد فصل
اطاعت سلطان و امیر شهر و امیر لشکر واجب است بر رعیت در آنچه خلاف شرع حکم نکنند اگرچه خلاف طبع آنها باشد
قال الله تعالی اَطِیْعُوا اللّٰهَ وَاَطِیْعُوا الرَّسُوْلَ وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ سلطان هم داخل اولی الامر اند و رسول فرموده
مَنْ اَطَاعَنِیْ فَقَدْ اَطَاعَ اللّٰهَ وَمَنْ عَصَانِیْ فَقَدْ عَصَی اللّٰهَ وَمَنْ یُطِعِ الْاَمِیْرَ فَقَدْ اَطَاعَنِیْ وَمَنْ یَعْصِ
الْاَمِیْرَ فَقَدْ عَصَانِیْ وَاِنَّمَا الْاِمَامُ جُنَّةٌ یُقَاتَلُ مِنْ وَّرَائِهٖ وَیُتَّقٰی بِهٖ فَاِنْ اَمَرَ بِتَقْوَی اللّٰهِ وَعَدَلَ

فَاِنَّ لَهٗ بِذٰلِكَ اَجْرًا وَاِنْ قَالَ بِغَيْرِهٖ فَاِنَّ مِنْهُ عَلَيْهِ ای گناه محذوف است متفق علیه عن ابی هریرة
یعنی هرکه فرمانبرداری من کرد فرمانبرداری خدا کرد و هرکه نافرمانی من کرد نافرمانی خدا کرد و هرکه فرمانبرداری
امیر کرد فرمانبرداری من کرد و هرکه نافرمانی امیر کرد نافرمانی من کرد و پادشاه نیست مگر سپر مردم با کفار جهاد
میکنند بوسیلهٔ او و پناه میجویند پس اگر امر بتقوی و عدل کرد پس او را ثواب باشد و اگر چیزی دیگر گفت پس
بر وی باشد یعنی گناه و فرمود آنسرور علیه السلام اِسْمَعُوْا وَاَطِيْعُوْا وَاِنِ اسْتُعْمِلَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ كَاَنَّ
رَاْسَهٗ زَبِيْبَةٌ رواه البخاری عن انس یعنی بشنوید و فرمانبرداری کنید امیر را اگرچه حاکم کرده شود بر شما غلام
حبشی که سر او مثل انگور سیاه و خورد باشد فرمود اَلسَّمْعُ وَالطَّاعَةُ عَلَى الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ فِيْمَا اَحَبَّ وَكَرِهَ مَا لَمْ يُؤْمَرْ
بِمَعْصِيَةٍ فَاِذَا اُمِرَ بِمَعْصِيَةٍ فَلَا سَمْعَ وَلَا طَاعَةَ متفق علیه عن ابن عمر و عن علی نحوه یعنی حکم شنیدن
و طاعت کردن واجب است بر مرد مسلمان در آنچه خوش آید او را یا ناخوش تا وقتیکه امر کرده شود بمعصیت پس
وقتیکه امر کرده شود بگناه پس جایز نیست سمع و طاعت و فرمود مَنْ رَاٰى مِنْ اَمِيْرِهٖ شَيْئًا يَكْرَهُهٗ فَلْيَصْبِرْ
فَاِنَّهٗ لَيْسَ اَحَدٌ يُفَارِقُ الْجَمَاعَةَ شِبْرًا فَيَمُوْتُ اِلَّا مَاتَ مِيْتَةً جَاهِلِيَّةً متفق علیه عن ابن عباس
یعنی هرکه ببیند از حاکم خود چیزی که مکروه داند آنرا پس باید که صبر کند بدرستیکه نیست کسی که یکی کند و جدا
شود از جماعت مسلمانان بقدر یک وجب پس بمیرد در آنحال مگر آنکه مرده باشد مانند مردن جاهلیت
و فرمود اِنَّكُمْ سَتَرَوْنَ بَعْدِيْ اَثَرَةً وَاُمُوْرًا تُنْكِرُوْنَهَا قَالُوْا فَمَا تَاْمُرُنَا يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ قَالَ
اَدُّوْا اِلَيْهِمْ حَقَّهُمْ وَاسْاَلُوا اللّٰهَ حَقَّكُمْ متفق علیه عن ابن مسعود یعنی قریب است که خواهید دید از
پادشاهان بعد من نفس پروری و چیزها که شما آنرا ناخوش دارید یاران گفتند پس چه میفرمائی ما را فرمود
که حق آنها ادا کنید و حق خود از خدا خواهید یاران گفتند یا رسول الله اگر باشند امرا که حق خود از ما طلب
کنند و حق ما ندهند فرمود اِسْمَعُوْا وَاَطِيْعُوْا فَاِنَّمَا عَلَيْهِمْ مَا حُمِّلُوْا وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ رواه مسلم عن
وائل بن حجر یعنی بشنوید حکم آنها و فرمانبرداری کنید پس بدرستیکه واجب است بر آنها آنچه حق تعالی
بر ذمه آنها واجب کرده است از عدالت و رعیت پروری و واجب است بر شما آنچه واجب کرده است یعنی
اطاعت و فرمانبرداری فصل اگر قاضی حکم کند موافق شرع واجب است که بطیب خاطر آنرا قبول کرده شود

فی القضاء

حق تعالی میفرماید فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُوْنَ حَتّٰى يُحَكِّمُوْكَ فِيْمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوْا فِيْ اَنْفُسِهِمْ حَرَجًا
مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا یعنی بخدا ایمان نخواهند آورد تا آنکه حاکم گردانند ترا در آنچه منازعت
شود در میان ایشان باز نیابند در دلهای خود تنگی و ناخوشی از آنچه حکم کنی و قبول کنند قبول کردنی در هدایه گفته
که اگر قاضی گوید حکم کردم برجم این پس سنگسار کن یا دست قطع کن یا دره بزن جایز است بجا آوردن

آنچه امام ابو منصور گفته که اگر قاضی عالم و عادل باشد بجا آرد و اگر جاهل و عادل باشد وجه آن بپرسد پس اگر
وجه معقول گفت بجا آرد والا نکند و اگر فاسق است بجا نیارد مگر وقتیکه سبب حکم او بداند **فصل** در
حق شوهر بر زن احادیث بسیار اند رسول فرمود لَوْ كُنْتُ آمِرًا لِأَحَدٍ أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ
أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا رواه الترمذی و ابو داود و نحوه از قیس بن سعد و احمد از معاذ و ابو هریره
یعنی اگر امر میکردم کسی را که سجده کند بکسی هر آینه امر میکردم زن را که سجده کند شوهر خود را و ترمذی از ام سلمه
روایت کرده که رسول فرمود هر زنی که بمیرد و شوهرش از وی راضی است داخل بهشت شود و ابو نعیم
در حلیه از انس روایت کرده که رسول فرمود هر زنی که نماز پنجگانه خواند و روزه ماه رمضان گذارد و عفت
ورزد و فرمانبرداری شوهر کند داخل شود به بهشت از هر در که خواهد و احمد از عائشه روایت کرده که آنحضرت
فرمود اگر برای سجده کسی را حکم میکردم زن را حکم میکردم که سجده کند شوهر خود را و اگر شوهر زن را حکم کند
که از کوه سیاه بکوه سپید و از کوه سپید بکوه سیاه سنگها برد باید که همچنان کند ترمذی و ابن ماجه
از معاذ روایت کرده که رسول فرمود اگر زنی شوهر خود را آزار میدهد حوران بهشت میگویند لعنت
کند بر تو خدا نیست این شخص نزد تو مگر مهمان قریب است که از تو جدا شود و بسوی ما **فصل** در حق
سید بر عبد فرمود رسول إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا نَصَحَ سَيِّدَهُ وَأَحْسَنَ عِبَادَةَ اللَّهِ فَلَهُ أَجْرُهُ مَرَّتَيْنِ
متفق علیه عن عبد الله بن عمر یعنی بدرستیکه غلام اگر خیر خواهی مالک خود کند و نیک کند عبادت
خدا دو چندان ثواب یابد و فرمود آنحضرت نِعِمَّا لِلْمَمْلُوكِ أَنْ يَتَوَفَّاهُ اللَّهُ يُحْسِنُ عِبَادَةَ رَبِّهِ
وَطَاعَةَ سَيِّدِهِ نِعِمَّا لَهُ متفق علیه عن ابی هریره یعنی خوشا حال بنده مملوک که بمیرد و نیک کند عبادت
پروردگار خود و فرمانبرداری مالک خود خوشا حال او و فرمود آنسرور علیه السلام إِذَا أَبَقَ الْعَبْدُ
لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ وَفِي رِوَايَةٍ أَيُّمَا عَبْدٍ أَبَقَ مِنْ مَوَالِيهِ فَقَدْ كَفَرَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْهِمْ
رواه مسلم عن جریر یعنی اگر غلام بگریزد نماز او قبول نشود و در روایتی هر غلامیکه بگریزد از مالکان
خود بتحقیق کافر شود تا وقتیکه باز نیاید نزد ایشان یعنی کافر نعمت باشد و بیهقی از جابر روایت
کرده که رسول فرمود سه کس را نماز قبول نشود غلامیکه بگریزد تا که باز نزد مالک خود آید و زنیکه شوهرش
از او ناخوش باشد و مست تا که بهوش آید و فرمود صلعم لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَبَّبَ امْرَأَةً عَلَى زَوْجِهَا
أَوْ عَبْدًا عَلَى سَيِّدِهِ رواه ابو داود عن ابی هریره رضی الله عنه یعنی نیست از ما کسی که ورغلاند
و فاسد کند زنی را بر شوهرش و غلامی را بر مالک او **قسم چهارم** قسمی دیگر از حقوق عباد حق
رعیت است بر سلطان و امیر و قاضی و حق زوجه بر شوهر و حق پرورش و تربیت فرزندان صغیر

وناورد حق مملوک بر مالک که اینهمه واقع حقند حق سبحانه بذوات بی نیاز خود برای مملوکان
نهاده گان حق و رحمت واجب کرده پس کسی که در دنیا راعی ساخته و مالک گردانیده بر وی هم واجب
ساخته قال رسول الله علیه الصلوة والسلام الا کلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته فالامام
الذی علی الناس راع وهو مسئول عن رعیته والرجل راع علی اهل بیته وهو مسئول عن
رعیته والمرأة راعیة علی بیت زوجها وولده وهی مسئولة عن رعیتها وعبد الرجل
راع علی مال سیده وهو مسئول عنه الا فکلکم راع وکلکم مسئول عن رعیته متفق
علیه عن عبد الله ابن عمر یعنی آگاه باشید که هر یکی از شما راعیست و هر یکی از شما سوال کرده خواهد شد
از رعیت او که بحال آنها پرداخته یا آنها را ضایع و مهمل گذاشته پادشاه بر تمام آدمیان راعیست
سوال کرده خواهد شد از رعیت او و مرد در اهل بیت راعیست پادشاه از آنها سوال کرده خواهد شد
و زن بر خانه شوهر و اولاد او راعیه است از آنها سوال کرده شود و غلام بر مال مولی راعیست از آن
سوال کرده خواهد شد **فصل در حق رعیت بر پادشاه** و امیر رسول فرمود ما من وال یلی رعیته
من المسلمین فیموت وهو غاش لهم الا حرم الله علیه الجنة متفق علیه عن معقل بن یسار یعنی
کسی نیست که والی که بر رعیتی از مسلمانان والی باشد پس بمیرد حالیکه خیر خواهی رعیت نکرده
باشد مگر آنکه حق تعالی بر وی بهشت را حرام کرده فرمود اللهم من ولی من امر امتی شیئا
فشق علیهم فاشقق علیه ومن ولی من امر امتی شیئا فرفق بهم فارفق به رواه مسلم
عن عائشة یعنی ای بار خدایا هر که والی شود از کارهای امت من چیزی پس سختی کرد بر آنها پس
سختی کن بر وی و هر که والی شود از کارهای امت من چیزی پس با آنها نرمی و مهربانی کند پس بر وی
نرمی و مهربانی کن مسلم از عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول فرمود عادلان بر منبرها از نور
باشند نزد حق تعالی آنها که عدل کنند در حکم و با اهل آنها و آنچه والی کرده شده اند و در دنیا می نبا...
از آنحضرت صلعم آورده که فرمود نیست سرگروه ده کس مگر آنکه آورده شود روز قیامت بسته تا که
بکشاید او را عدل یا هلاک کند او را ظلم و فرمود ان احب الناس الی الله یوم القیمة واقربهم
منه مجلسا امام عادل وان ابغض الناس الی الله یوم القیمة واشدهم عذابا
امام جائر رواه الترمذی عن ابی سعید یعنی بدرستیکه محبوبترین آدمیان بسوی خدا روز قیامت
و نزدیکترین مردمان بسوی خدا از روی مرتبه پادشاه عادل باشد و بدرستیکه ناخوشترین
آدمیان بسوی خدا روز قیامت و سخت تر در عذاب پادشاه ظالم باشد و فرمود ان السلطان

حق الرعیة علی السلطان

ظِلُّ اللّٰهِ فِي الْأَرْضِ يَأْوِي إِلَيْهِ كُلُّ مَظْلُومٍ مِنْ عِبَادِهِ فَإِذَا عَدَلَ كَانَ لَهُ الْأَجْرُ وَعَلَى
الرَّعِيَّةِ الشُّكْرُ وَإِذَا جَارَ كَانَ عَلَيْهِ الْإِصْرُ وَعَلَى الرَّعِيَّةِ الصَّبْرُ رواه البيهقي عن ابن عمر
پادشاه سایهٔ خداست در زمین می آید بسوی او هر مظلوم از بندگان خدا پس اگر عدل کرد او را ثواب باشد
و بر رعیت شکر واجب شود و اگر ظلم کرد بروی عذاب و بر رعیت صبر واجب شود فصل در قاضی و حکم به نصیحت
و خلاف شریعت سبب کفر و ظلم و فسق است کما الله تعالی فرمود وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللّٰهُ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ
فَأُولٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ رسول فرمود الْقُضَاةُ ثَلَاثَةٌ وَاحِدٌ
فِي الْجَنَّةِ وَاثْنَانِ فِي النَّارِ فَأَمَّا الَّذِي فِي الْجَنَّةِ فَرَجُلٌ عَرَفَ الْحَقَّ فَقَضَى بِهِ وَرَجُلٌ
عَرَفَ الْحَقَّ فَجَارَ فِي الْحُكْمِ فَهُوَ فِي النَّارِ وَرَجُلٌ قَضَى لِلنَّاسِ عَلَى جَهْلٍ فَهُوَ فِي النَّارِ رواه
ابو داود و ابن ماجه عن بریده یعنی قاضیان سه قسمند یکی آنکه عالم باشد بحق و حکم بحق کند این است در بهشت
باشد دوم آنکه عالم باشد و حکم نکند بحق سوم آنکه جاهل باشد این هر دو در دوزخ باشند رواه ابو داود
از ابو هریره روایت کرده هر که قاضی شود پس عدل او بر جور غالب باشد او را بهشت است و اگر جور او غالب
شود بر عدل او در دوزخ باشد فصل در حق زن بر شوهر حق سبحانه فرماید وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي
عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ یعنی زنان را بر شوهران حق است چنانکه شوهران را بر زنان حق است رسول کریم فرمود
إِنَّ مِنْ أَكْمَلِ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَأَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ رواه الترمذي عن عائشة و
الترمذی عن ابی هریره نحوه یعنی از کاملترین مؤمنان در ایمان کسی باشد که خوشتر است از روی خلق
و مهربانتر است با اهل خود و فرمود خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي رواه الترمذي
عن عائشة یعنی بهترین شما کسی است که بهتر است با اهل خود و من بهترم شما را با اهل خود و معاویه
قشیری از رسول کریم پرسید که حق زن بر شوهر چیست فرمود آنکه بخورانی چون خود بخوری و بپوشانی
چون خود بپوشی و نزنی بر روی او و بد نگوی او را و او را تنها نگذاری مگر در خانه رواه احمد
و ابو داود و ابن ماجه و فرمود آنحضرت روزی در شب زنان بسیار بخانه من آمدند و شکایت شوهران خود
میکردند آن مردان خوب کس نیستند رواه ابو داود و ابن ماجه و الدارمی عن ایاس بن عبد الله فصل در
حق شفقت بر فرزندان رسول کریم فرمود مَنْ عَالَ جَارِيَتَيْنِ حَتَّى تَبْلُغَا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَا وَهُوَ
هٰكَذَا وَضَمَّ أَصَابِعَهُ رواه مسلم عن انس یعنی هر که پرورش کند دو دختر را تا که بالغ شوند بیاید روز
قیامت من و او چنین و دو انگشت مبارک با هم ضم کرده و صحیح است از عائشه مرویست که زنی نزد من
آمد و با وی دو دختر بودند از من سوال کرد و نزد من چیزی نیافت مگر یک خرما پس او را هم دادم پس آن زن

خرما را در میان هر دو دختر تقسیم کرد و او خود هیچ نخورد و برفت پس چون نبی صلعم بیامد قصه عرض
کردم فرمود مَنِ ابْتُلِیَ مِنْ هٰذِهِ الْبَنَاتِ بِشَیْءٍ فَأَحْسَنَ إِلَیْهِنَّ کُنَّ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ
یعنی هر که مبتلا شود از دختران بچیزی یعنی چند دختران داشته باشد و با ایشان نیکی کند او را پرده شوند از آتش
دوزخ متفق علیه و از عائشه روایت کرده که شخصی بخدمت رسول آمد و گفت که شما طفلان را بوسه میکنید ما بوسه
نمیکنیم آنحضرت فرمود او را أَوَأَمْلِكُ لَكَ أَنْ نَزَعَ اللّٰهُ مِنْ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ یعنی اگر خدا تعالی از دل
تو رحم و شفقت دور کرده من چه میتوانم کرد فصل در حق مملوکان رسول کریم فرمود اخوانکم جعلهم الله
تَحْتَ أَیْدِیکُمْ فَمَنْ جَعَلَ اللّٰهُ أَخَاهُ تَحْتَ یَدَیْهِ فَلْیُطْعِمْهُ مِمَّا یَأْکُلُ وَلْیُلْبِسْهُ مِمَّا یَلْبَسُ
وَلَا یُکَلِّفْهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا یَغْلِبُهُ فَإِنْ کَلَّفَهُ مَا یَغْلِبُهُ فَلْیُعِنْهُ عَلَیْهِ متفق علیه عن ابی ذر
یعنی برادران شما اند کرده است ایشان را الله تعالی زیر دست شما پس هر که را حق تعالی برادر او را زیر دست
او کند پس باید که بخوراند او را آنچه خود میخورد و بپوشاند او را آنچه خود میپوشد و تکلیف ندهد او را بکاری که
بر وی شاق باشد و اگر بکاری شاق امر کند خود هم مددگاری او کند به آنکار فرمود اذا صنع لاحدکم
خَادِمُهُ طَعَامَهُ ثُمَّ جَاءَهُ بِهِ وَقَدْ وَلِیَ حَرَّهُ وَدُخَانَهُ فَلْیُقْعِدْهُ مَعَهُ فَلْیَأْکُلْ فَإِنْ کَانَ الطَّعَامُ
مَشْفُوهًا قَلِیلًا فَلْیَضَعْ فِی یَدِهِ مِنْهُ أُکْلَةً أَوْ أُکْلَتَیْنِ رواه مسلم عن ابی هریره یعنی وقتیکه
طیار کند برای یکی از شما خادم او طعامی پس بیارد آن طعام را بدستیکه گرمی آتش و دود او برداشته
است پس باید که بنشاند او را همراه خود تا بخورد و اگر طعام اندک باشد و خورنده بسیار باید که بنهد در
دست او یک لقمه یا دو لقمه و فرمود مَنْ قَذَفَ مَمْلُوکَهُ وَهُوَ بَرِیءٌ مِمَّا قَالَ جُلِدَ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ
متفق علیه عن ابی هریره یعنی هر که نسبت زنا کند مملوک خود را و او پاک باشد از آن او را حق تعالی
در قیامت حد قذف زند و فرمود مَنْ ضَرَبَ غُلَامًا لَهُ حَدًّا لَمْ یَأْتِهِ أَوْ لَطَمَهُ فَإِنَّ
کَفَّارَتَهُ أَنْ یُعْتِقَهُ رواه مسلم عن ابن عمر یعنی هر که زند غلام خود را حدی و موجب حد نکرده است
یا او را طپانچه زند پس کفارهٔ او آنست که او را آزاد کند و مسلم از ابی مسعود روایت کرده که میزدم
غلام خود را میزدم از پس پشت آوازی شنیدم که بدان ای ابا مسعود که حق تعالی بر تو قادرتر است از
تو بر غلام قدرت داری چون پس پشت دیدم رسول خدا بود گفتم یا رسول الله این برای خدا آزاد
کردم فرمود اگر چنین نمیکردی آتش بتو میرسید آخر کلام رسول در مرض موت او بود الصلوة
وما ملکت ایمانکم رواه البیهقی فی شعب الایمان عن ام سلمه و احمد و ابو داود عن علی
یعنی محافظت کنید بر نماز و بر حقوق مملوکان و فرمود آنحضرت ثَلٰثٌ مَنْ کُنَّ فِیهِ یَسَّرَ اللّٰهُ

فصل در حقوق ممالک

جنّته وادخله جنّته رفق بالضعیف وشفقة بالوالدین واحسان الی المملوک رواه
الترمذی عن جابر یعنی سه خصلت است که در هر کسی باشد حق تعالی موت او آسان کند و او را داخل بهشت کند مهربانی
بضعیفان و شفقت بر پدر و مادر و نکوئی با مملوکان مردی از آنحضرت پرسید که یا رسول الله چند بار از خادم
عفو تقصیر کنم آنحضرت در جواب او خاموش بود که مرد بار دیگر پرسید فرمود هر روز هفتاد بار ببخشید رواه الترمذی عن عبدالله
بن عمر و ابوداود عن عمر و فرمود آنحضرت آگاه باشید خبر دهم شما را به بدترین شما بدترین شما کسی
است که تنها خورد و تنها سفر کند و مملوک خود را زند و بند کند رفد خود را رواه رزین عن ابی هریرة یعنی رفد اعانت
و مددگاری است و در قریش رسم بود که هر کس بقدر طاقت خود مال می آورد و بدین مال بسیار جمع میشد
پس از آن طعام و گوشت خریده پخته میکردند و در موسم حج مردم را میخورانیدند و شربت مینوشانیدند پس رفد
عبارتست از مالی که اهل شهر جمع کرده برای صادر و وارد و مساکین نگاه میدارند فصل مملوک اگر
جانور باشد بر آنهم احسان ضرور است رسول کریم شتری لاغر دیده فرمود اتقوا الله فی هذه البهائم
المعجمة فارکبوها صالحة واترکوها صالحة رواه ابوداود عن سهل بن حنظلیة یعنی
بترسید از خدا در حق این جانوران بی زبان سواری کنید بر آنها خوب و بگذارید آنها را خوب فصل قسم پنجم
دیگر از حقوق العباد حق همسایه و صحبت و معرفت است که مظهر قرب او تعالی ستند قال تعالی واعبدوا
الله ولا تشرکوا به شیئا وبالوالدین احسانا وبذی القربی والیتمی والمسکین و
الجار ذی القربی والجار الجنب والصاحب بالجنب وابن السبیل وما ملکت
ایمانکم یعنی عبادت کنید خدا را و شریک مکنید در عبادت او چیزی را و نکوئی کنید با پدر و مادر و نکوئی
کنید با صاحب قرابت و یتیمان و مسکینان و همسایه که قریب باشد همسایگی او یعنی خانه بخانه
متصل باشد یا آنکه همسایه باشد و قرابت و نسب با او در دین آشنا باشد و همسایه که اجنبی باشد و یار همصحبت
وابن عباس و مجاهد و عکرمه گفته که صاحب بالجنب همسفر باشد و علی رضی الله عنه و ابن مسعود گفته اند که
مراد از آن زن است و مسافران بعضی گویند که ابن السبیل مهمان مراد است و مملوکان هم و رسول فرمود
الجیران ثلثة فجار له ثلثة حقوق حق الجوار وحق القرابة وحق الاسلام و
جار له حقان حق الجوار وحق الاسلام وجار له حق واحد وهو المشرک
من اهل الکتاب رواه ابونعیم فی الحلیة والحسن بن سفیان البزازی فی مسندیهما عن جابر
یعنی همسایگان سه قسم اند یکی همسایه ایست که او را سه حق است حق جوار و حق قرابت و حق اسلام
و دیگر همسایه را دو حق است حق جوار و حق اسلام و یک همسایه را یک حق است که مشرک باشد از اهل کتاب

احسان با بهائم

حقوق همسایه و صحبت و معرفت

وابن عدی از عبد الله بن عمر نیز همچنین روایت کرده که رسول فرمود کم من جار متعلق بجاره
یقول یا رب سل هذا لم اغلق عنی بابه ومنعنی فضله رواه الاصفهانی عن
ابن عمر یعنی بسیار همسایه باشد که بگیرد همسایه خود را و بگوید ای پروردگار بپرس این را چرا
دروازه خود را از من بند کرد و احسان خود را از من باز داشت بخاری از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود
که همیشه جبرئیل مرا به همسایه وصیت می‌کرد حتی که گمان بردم که قریب است که حق تعالی او را وارث
گرداند و مسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول فرمود ای ابا ذر چون گوشت بپزی شوربا زیاده کن و همسایگان را
ضیافت کن عائشه از رسول پرسید که یا رسول الله مرا دو همسایه هست بکدامی از آنها هدیه کنم فرمود
هر که نزدیک‌تر باشد در دروازه او فرمود رسول من کان یؤمن بالله والیوم الآخر فلیحسن الی جاره
ومن کان یؤمن بالله والیوم الآخر فلیکرم ضیفه ومن کان یؤمن بالله والیوم الآخر
فلیقل خیرا او لیصمت رواه البغوی فی الصحیحین عن ابی هریرة یعنی هر که بخدا و روز قیامت
ایمان داشته باشد پس باید که با همسایه خود نکوئی کند و مهمان را گرامی دارد و آنچه نیک باشد سخن گوید یا
خاموش ماند سخن بیفایده نگوید بدان اسعدک الله تعالی که چون همسایه را که در خانه قریب باشد چندین
حق ثابت شده پس صحبت همسفر و رفیق الطریق اولی حق واجب است چنانچه بنا به صحبتی رسول کریم
اصحاب را چه قدر مناقب فرموده و برای محبت تعظیم شان مبالغه کرده لیکن واجب است که همنشینی و
دوستی با نیکان کند و با کافران و فاسقان نکند رسول فرمود مثل الجلیس الصالح والسوء
کحامل المسک ونافخ الکیر فحامل المسک اما ان یحذیک واما ان تبتاع منه واما ان
تجد منه ریحا طیبة ونافخ الکیر اما ان یحرق ثیابک واما ان تجد منه ریحا خبیثة
متفق علیه عن ابی موسی وفی روایة یحرق بیتک او ثوبک او تجد منه ریحا خبیثة یعنی
حال همسایه نیک و همسایه بد چنانست که همسایه نیک صاحب مشک است یا ترا خواهد داد یا تو از او
خرید خواهی کرد و نه بوی خوش خواهد رسید و همسایه بد یا آتش سوزاننده یعنی آتش آهنگر است که جامه
تو یا پارچه تو خواهد سوخت و گرنه بوی بد او به تو خواهد رسید شیخین حاکم و ابوداود از انس از آنحضرت
روایت کرده که همسایه نیک مثل عطرفروش است اگر عطر به تو نخواهد داد بوی به تو خواهد رسید واحمد و
ابوداود و ترمذی و حاکم از ابی سعید خدری روایت کرده که فرمود آنحضرت همنشینی مکن مگر
با مسلمانان کامل الایمان و باید که طعام ترا نخورد مگر متقی و بغوی از ابی هریره روایت کرده که رسول
فرمود که آدم بر دین و مذهب دوست خود می‌باشد پس ببین که با که دوستی دارد شیخین و صحیحین

از ابن مسعود از آنحضرت مرویست که فرمود اَلْمَرْءُ مَعَ مَنْ اَحَبَّ یعنی انسان را حشر با کسی باشد که
او را دوست دارد و حقتعالی میفرماید اَلْاَخِلَّاءُ یَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ اِلَّا الْمُتَّقِیْنَ یعنی
دوستان روز قیامت باهم دشمن شوند مگر متقیان و حقتعالی میفرماید که مردم در روز قیامت بسبب دوستی
مردان با بدان حسرت خواهند کرد و خواهند گفت یَا وَیْلَتٰی لَیْتَنِیْ لَمْ اَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِیْلًا ای
هلاکی من کاشکی نگرفتمی فلان کس را دوست مولوی روم میگوید بیت مثنوی دور شو از اختلاط یار بد
یار بد بدتر بود از مار بد ؛ مار بد تنها همین بر جان زند ؛ یار بد بر جان و بر ایمان زند ؛ صحبت
صالح ترا صالح کند ؛ صحبت طالح ترا طالح کند ؛ ما خندان باغ را خندان کند ؛ صحبت نیکان
از نیکان کند ؛ و در صحیحین از ابی هریره رضی مرویست که حدیث طویل از رسول کریم صلعم جماعت ذکرکنندگان
که چون حقتعالی بر آنها رحمت کند و بخشاید تمام همنشینان آنها را بخشاید فرشته از فرشتگان گوید ای پروردگار
مرویست گنهگار از آنها نیست برای کاری آمده و نزد آنها نشست حق تعالی فرماید که او را هم بخشیدم آن
قومیست که همنشین ایشان بدبخت نباشد ولهذا رسول کریم صلعم از همنشین بد و همسایه بد بخدا پناه جسته طبرانی
از عقبه بن عامر روایت کرده که رسول صلعم در دعای خود میگفت اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ یَوْمِ السُّوْءِ
وَمِنْ سَاعَةِ السُّوْءِ وَمِنْ لَیْلَةِ السُّوْءِ وَمِنْ صَاحِبِ السُّوْءِ وَمِنْ جَارِ السُّوْءِ فِیْ دَارِ الْمُقَامَةِ
یعنی الهی پناه میجویم بتو از روز بدی و از ساعت بدی و از شب بدی یعنی از روزی و شبی و ساعتی که در آن
بدیها واقع شود و از همنشین بدی یعنی همنشین و همسایه که مصدر بدی باشد همسایه که اقامت و خانه
همسایه باشد و برای احتراز از همسایه بد رسول کریم صلعم در بیع زمین حق شفعه واجب کرده فایده شفیع
را باید که اگر مشتری نیکمرد است طلب شفعه نکند و اگر بد است از خریدار راضی نشود قسم ششم قسمی دیگر
از حقوق العباد حق عام مؤمنین نیست خصوصا از آنها حق کسی هست که عاجز و ضعیف باشد یتیم و مسکین یا بیمار
یا بیوه و حق سایل است و حق مسافر و مهمان نیز وارد شده قال الله تعالی وَاٰتَی الْمَالَ عَلٰی حُبِّهٖ ذَوِی الْقُرْبٰی
وَالْیَتٰمٰی وَالْمَسٰکِیْنَ وَابْنَ السَّبِیْلِ وَالسَّآئِلِیْنَ وَفِی الرِّقَابِ و فرمود وَاٰتِ ذَا الْقُرْبٰی
حَقَّهٗ وَالْمِسْکِیْنَ وَابْنَ السَّبِیْلِ یعنی نیکوکار کسی است که داد مال بر دوستی خدا خویش و اقربا
و یتیمان و مسکینان و مسافران و سایلان را و در آزادی بندگان و فرمود حق فَاَمَّا الْیَتِیْمَ فَلَا تَقْهَرْ
وَاَمَّا السَّآئِلَ فَلَا تَنْهَرْ یعنی یتیم را قهر مکن و سوال کننده را زجر مکن و فرمود آنحضرت اَنَا وَکَافِلُ
الْیَتِیْمِ فِی الْجَنَّةِ هٰکَذَا رواه احمد والبخاری و ابو داود و الترمذی عن سهل بن سعد یعنی من و پرورنده
یتیم در بهشت چنین باشند و اشارت کرده بانگشت شهادت و میانه ؛ مَنْ کَانَ یُؤْمِنُ بِاللّٰهِ

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ جَائِزَتُهُ يَوْمٌ وَلَيْلَةٌ وَضِيَافَةٌ ثَلٰثَةُ أَيَّامٍ فَمَا بَعْدَ ذٰلِكَ
فَهُوَ صَدَقَةٌ متفق علیه عن ابی شریح الکعبی یعنی هر که ایمان دارد بخدا و بروز قیامت پس باید که گرامی
کند مهمان خود را یک شبانروز و مهمانی او بتکلف باید بود و مهمانی تا سه روز است و بعد از آن صدقه
است و رسول فرمود لِلسَّائِلِ حَقٌّ وَإِنْ جَاءَ عَلَى الْفَرَسِ ابوداود و عن الحسین بن علی رضی الله
عنهما و احمد عن الحسین یعنی سوال کننده را حق میباشد اگرچه بر اسپ سوار شده آمده باشد یعنی اگرچه
غنی باشد حالانکه سوال کردن غنی را حرام است و رسول فرمود لِلْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ بِالْمَعْرُوفِ
يُسَلِّمُ عَلَيْهِ إِذَا لَقِيَهُ وَيُجِيبُهُ إِذَا دَعَاهُ وَيُشَمِّتُهُ إِذَا عَطَسَ وَيَعُودُهُ إِذَا مَرِضَ وَ
يَتْبَعُ جَنَازَتَهُ إِذَا مَاتَ وَيُحِبُّ لَهُ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ رواه احمد الترمذی ابوداود و عن علی
والنسائی عن ابی هریره رض یعنی مسلمان را بر مسلمان شش حق است سلام گوید بروی چون ملاقات
کند و جواب دهد چون بخواند یا قبول دعوت او کند و یرحمک الله گوید چون حمد کند بعد عطسه و بیمار پرسی کند
چون بیمار شود و همراه جنازه او رود چون بمیرد و دوست دارد برای او آنچه دوست دارد برای نفس خود
و اصفهانی از علی رض از آنحضرت علیه السلام روایت کرده که فرمود بتحقیقکه اگر یکی از شما بگذارد تشمیت یعنی
یرحمک الله گفتن برادر خود را وقتیکه عطسه کند و الحمد لله گوید پس مطالبه خواهد کرد او را روز قیامت
ابونعیم از سعد بن جبیر روایت کرده و مسلم از ابی موسی روایت کرده که آنحضرت فرمود که پرهیز کنید از نشستن
بر راهها یاران گفتند یا رسول الله از نشستن بر راهها چاره نداریم فرمود که پس حق ادا کنید راه را گفتند
که حق راه چیست فرمود که چشم بستن از حرام و اذیت نرسانیدن و جواب سلام گفتن و امر کردن بمشروع و
نهی کردن از نامشروع و ابوداود و از عمر بن قعنه یاد کرده فریاد رسی کنید بغم رسیده و راه
نمایید گم شده را قال الله تعالی وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا یعنی وقتیکه کسی سلام گوید بشما پس جواب گویید مثل آن یا بهتر از آن یعنی در جواب
السلام علیکم گوید علیکم السلام یا ضم کنید با وی رحمة الله یا و رحمة الله و برکاته مسلم از ابوهریره رض عنه
روایت کرده که رسول فرمود داخل بهشت نخواهید شد تا که ایمان آرید و ایمان کامل نخواهد شد تا که باهم
دوستی کنید پس فرمود که خبر دهم شما را بچیزی که باهم دوست شوید فشوا السلام علیکم یعنی بسیار کنید سلام
باهم بیهقی از ابن مسعود و از آنحضرت روایت کرده که کسی اول سلام گوید پاک شود از تکبر کسی
از آنحضرت پرسید که از خصلتهای اسلام کدامی بهتر است فرمود بخورانی طعام و بخوانی سلام بر هر که
شناسی یا نشناسی آیه کریمه إِذَا حُيِّيتُمْ اگرچه در حق سلام وارد شده لیکن بعموم لفظ دلالت دارد

باید که مسلمان با مسلمان دیگر هر چه سلوک نیک کند مانند فرستادن هدیه یا ذکر خیر یا اشاره سلام بدست
بیشتر یا تواضع یا ایستادن یا مصافحه یا معانقه یا مانند آن که دلیل اظهار محبت باشد تا الفت زیاد
گردد که مکافات آن مثل آن کند یا بیشتر از آن کند کلمه إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا بدان که الله
دارد یعنی حق تعالی بر همه چیز حساب کننده است احمد و ترمذی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت
فرمود تمام تحیه شما مصافحه است و آنحضرت فرمود با هم مصافحه کنید کینه دور شود و با هم هدیه
بفرستید محبت زیاده شود و کینه برطرف گردد و فرمود آنحضرت که اگر دو مسلمان با هم مصافحه
کنند هیچ گناه باقی نماند همه بریزد و آنحضرت ابوذر را در بغل گرفته فرمود که این عمل بسیار خوبست
رواه ابوداود و فرمود آنحضرت لَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ يَلْتَقِيَانِ
فَيُعْرِضُ هَذَا وَيُعْرِضُ هَذَا وَخَيْرُهُمَا الَّذِي يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ متفق علیه عن ابی
ایوب انصاری یعنی حلال نیست مرد را که ترک ملاقات کند برادر خود را زیاده از سه روز ملاقی شوند هر دو
پس اعراض کنند از یکدیگر بهتر از آنها کسی است که سبقت کند در سلام ابوداود از عائشه از آنحضرت روایت
کرده که فرمود که مسلمان را جائز نیست که زیاده از سه روز ترک کند برادر را پس وقتیکه یکی با دیگری ملاقات
کرد و سلام گفت سه بار و او جواب نداد گناه هر دو را بر خود گرفت و احمد و ابوداود از ابوهریره روایت
کرده که آنحضرت فرمود که حلال نیست مسلمان را که برادر خود مسلمان را زیاده از سه روز ترک کند اگر زیاده
از سه روز ترک کند و بمیرد داخل دوزخ شود و ابوداود از ابوهریره روایت دیگر بدین مضمون مذکور
نقل کرده که چون سه روز بگذرد باید که یکی با دیگری ملاقات کند و سلام گوید پس وی اگر او جواب داد هر دو
داخل ثواب شوند و اگر جواب نداد گناه بر وی باقی ماند و او از گناه مهاجرت کرده بیرون شد و فرمود
ایاکم والظن فان الظن اکذب الحدیث ولا تحسسوا ولا تجسسوا ولا تحاسدوا و
لا تباغضوا ولا تدابروا وکونوا عباد الله اخوانا وفی روایة ولا تنافسوا متفق
[illegible] یعنی بدگمانی [illegible] که بدگمانی دروغ ترین سخن است یعنی اگر شخصی عیب کسی گوید
[illegible] تفحص نکنید یعنی عیبهای مردم [illegible] با هم حسد نکنید که [illegible]
[illegible] با هم بغض و عداوت نکنید و با هم [illegible] نکنید یعنی یکی بدیگری پشت کند
[illegible] باشید ای بندگان خدا با هم برادر و در روایتی آمده ولا تنافسوا یعنی هر کس شیء نفیس را
[illegible] آنحضرت فرمود که درهای بهشت [illegible] دوشنبه
و پنجشنبه [illegible] هر مسلمان را [illegible] آن کس را که با هم عداوت داشته باشند [illegible]

نکند از برای ایشان تا آنکه باهم صلح کنند رواه مسلم عن ابی هریره مرویست که آنحضرت فرموده که روز قیامت
مردی مردی را بگیرد و گوید که تو با من چه کار داری من ترا نمی شناسم آن مرد گوید که تو مرا بر کار بد دیدی
یعنی نهی از منکر فرض است مگر در صورتیکه داند که او قبول نخواهد کرد و رسول فرمود لا یرحم الله من
لا یرحم الناس متفق علیه عن جریر بن عبد الله یعنی رحم نمیکند خدا بر کسی که رحم نمیکند بر مردم
و فرمود الرّاحمون یرحمهم الرّحمن ارحموا من فی الارض یرحمکم من فی السّماء
رواه ابوداود والترمذی عن عبد الله بن عمرو یعنی رحم کنندگان را رحمان رحم میکند رحم کنید کسانی
در زمین اند رحم کند بر شما حق تعالی که حکم او جاریست در آسمان و رحم کنند ملائکه آسمان و فرمود من لم یرحم
صغیرنا ولم یعرف کبیرنا فلیس منّا رواه البخاری فی الادب و ابوداود عن ابن عمر یعنی
رحم نکند بر صغیر ما و نشناسد حق بزرگ ما پس از ما نیست و فرمود رسول نیست دروغگو کسی که صلح
کناند در مردم و نگوید نیک و برساند پیغام نیک این حدیث را در صحیحین از ام کلثوم بنت عقبه روایت
کرده و احمد و ترمذی از اسماء بنت یزید روایت کرده که گفت رسول حلال نیست دروغ گفتن مگر
جا در دروغ گفتن با زن برای راضی کردن او و دروغ در جنگ کفار یعنی بقسمیکه عذر نباشد و دروغ
گفتن برای صلح در مردم فرمود الا اخبرکم بافضل من درجة الصّیام والصّدقة
والصّلوة صحابیان گفتند بلی یا رسول الله فرمود اصلاح ذات البین وفساد ذات
البین هی الحالقة رواه ابوداود والترمذی عن ابی الدرداء وقال هذا حدیث صحیح آنحضرت
اصحاب را گفتند که خبر دهم شما را بچیزیکه افضل باشد در درجه از روزه و صدقه و نماز اصحاب گفتند آری
خبر ده یا رسول الله فرمود صلح کنانیدن در میان مردم فضیلت از روزه و صدقه و نماز و فساد کردن
در مردم حالقه است و فرمود آنحضرت دبّ الیکم داء الامم قبلکم الحسد والبغضاء هی
الحالقة لا اقول تحلق الشعر لکن تحلق الدّین رواه احمد والترمذی عن زبیر یعنی
آمد بسوی شما مرضی که در امتهای پیشین بود باهم حسد کردن و بغض و این صفت حالقه است یعنی
تراشنده نمیگویم که موی را می تراشد بلکه دین را میتراشد و فرمود آنحضرت پرهیز کنید از حسد بدرستیکه
حسد میخورد نکوئیها را چنانچه میخورد آتش رواه ابوداود عن ابی هریره و فرمود آنحضرت ایّاکم وسوء
ذات البین فانّها الحالقة رواه الترمذی عن ابی هریره یعنی پرهیز کنید از بدی در میان مردم
که این صفت تراشنده است دین را و فرمود آنحضرت من ضارّ ضارّ الله به ومن شاقّ شاقّ
الله علیه رواه ابن ماجه والترمذی عن ابی صرمة یعنی هر که ضرر رساند دیگری را خدا او را ضرر رساند

وهر که شفقت ورزد دیگری را خدا او را شفقت ورزد و ترمذی از ابی بکر صدیق روایت کرده که فرمود آنحضرت صلعم
ملعونست کسی که مومنی را ضرر رساند یا مکر کند با آنها و ابوداود از سعید بن زید از پیغمبر صلعم روایت
کرده که فرمود بدترین ربا ان درازی است در آبروی مسلمانی بغیر حق و رسول فرمود مَنِ اعْتَذَرَ اِلٰی
اَخِیْهِ فَلَمْ یَعْذِرْهُ وَلَمْ یَقْبَلْ عُذْرَهٗ کَانَ عَلَیْهِ مِثْلُ خَطِیْئَةِ صَاحِبِ مَکْسٍ رواه البیهقی
عن جابر یعنی هر که عذر خواهد سوی برادر خویش و او عذر قبول نکند باشد بر وی گناه مانند گناه صاحب
باج داری بدان اسعدک الله حق اخوة اسلامی بالاتر است از همه حقوق چرا که در حق قرابت نسبی پدر
و مادر واسطه اند و در اخوة اسلامی خدا و رسول خدا واسطه اند رسول کریم پدر همه مومنانست حق تعالی میفرماید
اَلنَّبِیُّ اَوْلٰی بِالْمُؤْمِنِیْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَاَزْوَاجُهٗ اُمَّهَاتُهُمْ و در قراءة ابی بن کعب آمده شد
وَهُوَ اَبٌ لَّهُمْ یعنی نبی اولیست بتصرف در مومنان از نفس آنها وازواج او مادران مومنان است
و او پدر آنها است ولهذا حق تعالی فرمود اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ اِخْوَةٌ فَاَصْلِحُوْا بَیْنَ اَخَوَیْکُمْ یعنی مسلمانند
مومنان باهم یکدیگر برادران اند و بنابر اخوة اسلامی ملائکه برای مومنان استغفار میکنند حق تعالی میفرماید
اَلَّذِیْنَ یَحْمِلُوْنَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهٗ یُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ الآیة و میفرماید اَلْمَلٰئِکَةُ یُسَبِّحُوْنَ
بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَیَسْتَغْفِرُوْنَ لِمَنْ فِی الْاَرْضِ یعنی حاملان عرش و آنها که گرد اوست تسبیح میکنند
با حمد پروردگار خود و استغفار میکنند برای کسانیکه ایمان آورده اند و جای دیگر میفرماید فرشتگان تسبیح
با حمد میکنند پروردگار خود را برای اهل زمین استغفار میکنند سوال اگر حق اخوة اسلامی از اخوة نسبی و
دیگر حقوق بالاتر است پس چرا اخوة نسبی را مقدم نوشتی و حقتعالی میفرماید وَاُولُوا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ
اَوْلٰی بِبَعْضٍ فِیْ کِتَابِ اللّٰهِ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُهَاجِرِیْنَ یعنی اقربای نسبی بعضی بعضی
را اولی و بهتر اند از مومنان و مهاجران لهذا میراث در قرابت نسبی است نه در قرابت اسلامی و
رسول فرمود اَلصَّدَقَةُ عَلَی الْمِسْکِیْنِ صَدَقَةٌ وَهِیَ عَلٰی ذِی الرَّحِمِ ثِنْتَانِ صَدَقَةٌ
وَصِلَةٌ رواه احمد والترمذی والنسائی وابن ماجه عن سلیمان بن عامر جواب قرابت نسبی
وغیره که بالا مذکور شده اند و همه آن باسلام مشروط است و بجای اسلام معتبر است معنی آیت آنست که اولوا الارحام
از مسلمان اند از مومنان و مهاجرین که قرابت نسبی ندارند بهتر اند و وارث مقدم و مراد حدیث آنکه صدقه
بر مسکین مسلم اجنبی یک ثواب دارد و بر ذی رحم مسکین مسلم باشد دو ثواب دارد و لهذا اقربا اگر کافر
باشند میراث با آنها نمیرسد بلکه بعامه مومنین رسد در بیت المال که خزانه عامه مومنین است
داخل کرده شود و اگر پدر هم کافر باشند گو نفقه او بر پسر واجب است لیکن محبت و دوستی با وی نباید

کرد بلکه بیزاری باید نمود وقال الله تعالی مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ
وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ
إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ
مِنْهُ یعنی نباشد نبی را و مومنین را که مغفرت خواهند برای مشرکان اگرچه باشند آنها صاحب
قرابت بعد از آنکه ظاهر شود آنها را که آنها از اهل جهنم اند و نبود استغفار ابراهیم برای پدر خود
مگر از جهت وعده که پدر با وی کرده بود که اسلام خواهم آورد و لیکن هرگاه که ظاهر شد برو که این
دشمن خداست از وی بیزاری کرد فائده حدیث كُلُّ نَسَبٍ وَصِهْرٍ يَنْقَطِعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
إِلَّا نَسَبِي وَصِهْرِي حدیث صحیح است ابن عساکر از ابن عمر روایت کرده یعنی هر قرابت نسبی
و قرابت خسری و دامادی که باشد روز قیامت منقطع خواهد شد مگر قرابت نسبی و صهری من مراد ازین
آن نیست که قرابت همه مومنان و غیرهم منقطع خواهد شد مگر قرابت پاک من بلکه مراد آنست که همه مسلمانان
فرزندان من اند نسب و صهر مومنان منقطع نخواهد شد دلیل برین تفسیر آنست که حق تعالی در حق مومنان
میفرماید وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا
أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ یعنی کسانیکه ایمان آورده اند و اولاد ایشان تابع ایشان اند
در ایمان اولاد ایشان را در بهشت بمرتبه پدران ملحق خواهیم کرد و از عمل پدران کم نخواهیم کرد و هیچ
و نیز حق تعالی میفرماید وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ
آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا یعنی اموال کافران و اولاد آنها را بما نزدیک نخواهند کرد و لیکن کسی که ایمان
آورده است و عمل صالح کرده اموال و اولاد آنها را بما نزدیک خواهند کرد و در حق کافران فرموده
لَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ یعنی نسبهای شان در میان شان نخواهند ماند روز قیامت و فرموده
تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ منقطع خواهد شد در میان شان اسباب وصلت ازین آیات دیگر
و احادیث نبوی معلوم میشود که نسب مومنان باقی خواهد ماند و یکی دیگر را مفید خواهد شد بسبب
قرابت و هم بسبب دوستی و غیره کافر را هیچ فائده نخواهد کرد وَيَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ
وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ
یعنی روز قیامت بگریزد مرد از برادر خود و مادر و پدر و زن و فرزندان خود و دوستان آنروز
باهم دشمن خواهند شد مگر متقیان غرض ازین کلام آنست که در جمیع حقوق مذکوره هر کسیکه در
اسلام و تقوی افضل و اقوی باشد او برای محبت و صلت اولی و احق باشد والله اعلم

قسم هفتم دیگر از حقوق آنست که بنده باختیار خود بر خود لازم گرداند و این هم در حقوق الله است و هم در حقوق
الناس و هر یکی از آن سه قسم است قسمی آنست که سبب وجوب آن طاعت باشد دوم آنکه سبب وجوب آن معصیت
باشد سوم آنکه سبب وجوب آن امری مباح باشد **فصل** حق الله که سبب وجوب آن طاعت است آن نذر است
بعبادت اگر نذر کند بعبادت مقصوده که از جنس آن عبادت فرض باشد چون نماز یا روزه یا صدقه یا حج خواه
آن نذر بلا شرط باشد یا بشرطی که موجب شکر باشد از نعمتهای دینی یا دنیوی چنانچه گوید که اگر بیمار من شفا یابد یا غایب
قدوم کند لله روزه ام ایفای چنین نذر فرض است بعد وجوب شرط قال الله تعالی ولیوفوا نذورهم
یعنی باید که وفا کنید نذرهای خود را و آنچه بعبادت غیر مقصوده کند چنانچه نذر کند که برای هر نماز وضوی جدید
کرده باشم ایفای آن مستحب است و واجب نیست و نذر بمعصیت باطل است چنانچه گوید که اگر بیمار من شفا یابد سرود
کنانم رسول فرمود لا نذر فی معصیة الله یعنی نذر بمعصیت جائز نیست و نذر بامر مباح هم لغو است
و سوای خدا نذر کردن برای پیغمبر یا برای کسی از اولیا گناه است قریب بشرک **فصل** در حق الله تعالی
که سبب آن امر مباح است چون کفاره یمین در بعضی اوقات و قضای رمضان بعد افطار بسفر یا مرض
روزه رمضان که سبب وجوب قضا است **فصل** در حق الله که سبب آن معصیت است چون حدود که
بسبب زنا یا سرقه یا شرب یا قذف واجب شود و کفارات که بسبب افطار روزه یا قتل خطا یا ظهار واجب شود
فصل حق العباد که سبب آن طاعت است چون ایفای وعده چیزی که ضرور است قال الله تعالی و اوفوا
بالعهد ان العهد کان مسئولا یعنی وفا کنید عهد را بدرستیکه سوال کرده شود بدان و رسول
فرمود العدة دین رواه الطبرانی عن علی و ابن مسعود و روی ابن عساکر عن علی عنه صلعم العدة
دین ویل لمن وعد ثم اخلف ویل لمن وعد ثم اخلف ویل لمن وعد ثم اخلف
یعنی وعده کردن مانند دین است هلاکت است مرکسی که وعده کند پس وفا نکند این کلمه سه بار فرمود و در صحیحین از
ابوهریره مرویست که رسول فرمود آیة المنافق ثلث زاد مسلم و ان صام و صلی و زعم انه مسلم
ثم اتفقا اذا حدث کذب و اذا وعد اخلف و اذا ائتمن خان یعنی علامت منافق سه
چیز است و مسلم زیاده آورده گفته اگرچه روزه دارد و نماز گزارد و بگوید که من مسلمانم یکی آنکه وقتیکه سخن
گوید دروغ گوید و چون وعده کند وفا نکند و چون امانت سپرده شود خیانت کند و از عبدالله بن عمرو مرویست
که رسول فرمود چهار چیز اند هر که این چهار در وی باشد منافق بود چون امانت سپرده شود خیانت کند و چون
سخن گوید دروغ گوید و چون عهد کند غدر کند و فجور کند در آن چون نزاع کند با کسی دشنام دهد و حق العباد
که سبب آن امر مباح باشد آن دینست مانند آن که بسبب بیع و شرا و اجاره و استجاره و استقراض و

استیداع و استقراض و نکاح و خلع و مانند آن لازم شود و ادای این حقوق یعنی تسلیم بیع بعد قبض ثمن مشتری و تسلیم بضع بزوج و تسلیم مبیع بشفیع و ایفای ثمن و قرض و مهر و اجرت و رد عاریت و ودیعت و مانند آن از فرائض مقام مخصوص است و از حقوق الله تعالی که احتمال مغفرت دارند اولی بالادا است و در تلف این حقوق و عدم ادای دیون احتمال عدم مغفرت است رسول فرمود یُغْفَرُ لِلشَّهِیْدِ کُلُّ ذَنْبٍ اِلَّا الدَّیْنَ رواه مسلم عن عبد الله بن عمر یعنی بخشیده میشود برای شهید هر گناه مگر دین فرمود مَطْلُ الْغَنِیِّ ظُلْمٌ متفق علیه عن ابی هریرة یعنی درنگ کردن در ادای دین بعد میسر شدن ظلمست جنازه پیش پیغمبر آمده برای نماز آنحضرت پرسید آیا بر وی دین کسی هست گفتند که نی آنحضرت بر وی نماز خواند دیگر جنازه آمد پرسید که بر وی دین کسی هست یعنی حق بندگان گفتند هست گفت مالی گذاشته است گفتند آری سه دینار آنحضرت بر وی نماز خواند سوم جنازه آمد پرسید که بر وی دین کسی هست گفتند آری سه دینار پرسید که چیزی مال گذاشته است گفتند نی فرمود شما نماز بر وی بخوانید ابو قتاده گفت یا رسول الله دین او بر خود گرفتم نماز بر وی بخوان آنگاه نماز خواند بخاری از سلمة بن اکوع روایت کرده بغوی در شرح السنة از ابی سعید خدری روایت کرده که جنازه آمد رسول علیه السلام پرسید که بر وی دین هست گفتند آری آنحضرت پرسید که مقدار دین مال گذاشته گفتند نی حضرت فرمود که شما خوانید علی رضی الله عنه گفت که دین او بر خود برگرفتم آنوقت نماز خواند و گفت علی را که حقتعالی ترا از بند رها کناد چنانچه تو برادر خود را از بند رها کردی مسلم از ابی قتاده روایت کرده که مردی گفت یا رسول الله در حالیکه در قتال داده باشم حقتعالی گناهان من بخشد فرمود آری مگر دین اینچنین جبرئیل من گفته و برای ادای مهر حقتعالی میفرماید وَاٰتُوا النِّسَاءَ صَدُقٰتِهِنَّ نِحْلَةً یعنی بدهید زنان را مهرهای ایشان بخوشی دل یا از مال حلال بی شبهه یا بنا بر دیانت و فرمود اَعْطُوا الْاَجِیْرَ اٰجْرَہٗ قَبْلَ اَنْ یَّجِفَّ عَرَقُهٗ رواه ابن ماجه عن ابن عمر و ابو یعلی عن ابی هریرة و الطبرانی عن جابر و الحکیم الترمذی عن انس یعنی بدهید مزدور را مزد وی پیش از آنکه خشک شود عرق او و رسول فرمود اِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَاَتَهٗ اِلٰی فِرَاشِهٖ فَاَبَتْ فَبَاتَ غَضْبَانَ لَعَنَتْهَا الْمَلٰئِکَةُ حَتّٰی تُصْبِحَ متفق علیه عن ابی هریرة یعنی چون شوهر زن خود را بر فرش خود طلب کند و او انکار کند و شوهر غصه نماید فرشتگان تا صبح بر آن زن لعنت کنند قال الله تعالی اِنَّ اللهَ یَاْمُرُکُمْ اَنْ تُؤَدُّوا الْاَمٰنٰتِ اِلٰی اَهْلِهَا یعنی الله تعالی حکم میکند شما را که امانتها را بمالکان شان ادا کنید

فصل اگر شخصی اراده ادای دین داشته باشد اما میسر نشود و بمیرد امید است که حق تعالی در آخرت

و ایشان را ورا راضی سازد و او را به بهشت برد و رسول فرمود من تداین بدین وفی نفسه وفاؤه
ثم مات تجاوز الله عنه وارضی غریمه بما شاء ومن تداین بدین ولیس فی نفسه
وفاؤه ثم مات اقتص الله تعالی لغریمه منه یوم القیمة رواه الحاکم عن ابی امامة
یعنی هر که معامله کند و دین بر وی لازم شود و اراده ادای آن دارد و بمیرد حق تعالی او را ببخشد
و دائن او را راضی سازد و هر که معامله کند و دین بر وی شود و اراده ادا نداشته باشد عوض دائن حق
غرمای او را روز قیامت و طبرانی و حاکم هم از ابی امامه مثل این روایت کرده اند باین عبارت من ادّان
دینا وهو ینوی ان لا یؤدیه فمات فقال الله تعالی یوم القیمة انی لا آخذ لعبدی بحقه
فیؤخذ من حسناته فیجعل فی حسنات الآخر فان لم یکن له حسنات اخذ من
سیئات الآخر فیجعل علیه یعنی هر که بمیرد و اراده ادای دین نداشته باشد بگوید حق تعالی که من بنده
خود را از این بگیرم پس از حسنات مدیون بدائن داده شود و اگر حسنات نباشد گناهان دائن بر مدیون
نهاده شود و طبرانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود دو قسم اند هر که بمیرد و نیت ادای دین داشته باشد
پس من ولی او هستم یعنی او را بخشایم و از حق تعالی دین او ادا کنانم و هر که بمیرد و نیت ادای دین ندارد
گرفته شود از حسنات او و در آن روز درهم و دینار نیست و مثل این ابن عمر از آنحضرت مرویست **فصل**
وحقوق العباد که سبب آن معصیت است چون قتل نفس یا قطع عضو یا گرفتن مال کسی بغصب یا سرقه
یا خیانت یا آبروی کسی بردن و دشنام و مانند آن یا غیبت ادای این حق رد مظلمه و استرضای مظلوم
است بدون استرضای مظلوم عفو و مغفرت در اتلاف اینچنین حقوق نمیتوان شد الا ما شاء الله و رسول
فرمود الدواوین ثلثة فدیوان لا یعبؤ الله به شیئا ودیوان لا یترک الله منه
شیئا ودیوان لا یغفره الله اما الدیوان الذی لا یغفره الله فالشرک واما الدیوان
الذی لا یعبؤ الله به شیئا فظلم العبد نفسه فیما بینه وبین ربه من صوم ترکه
او صلوة ترکها فان الله تبارک وتعالی یغفر ذلک ویتجاوز لمن یشاء واما الدیوان
الذی لا یترک الله منه شیئا فظلم العباد بعضهم بعضا القصاص لا محالة رواه الحاکم
واحمد عن عایشه رض یعنی نامهای اعمال سه گونه اند یکی آنست که حقتعالی هیچ نمی شمارد و دیگری
آنست که از آن هیچ نمیگذارد و دیگر آنست که آنرا هرگز نمی بخشد آن نامه که آنرا نمی بخشد شرک
است و آن نامه که آنرا هیچ نمی شمارد آن ظلم بنده است بر نفس خود به ترک حقوق حقتعالی از ترک
روزه و نماز و مانند آن پس حقتعالی می بخشد این را هر کرا میخواهد و آن نامه که از آن هیچ نمیگذارد

آنظلم بندگانست یکی بدیگری و در آن عوض قصاص خواهد شد البته وطبرانی و مانند آن از سلمان و
بزار همچنین از انس روایت کرده اند و فرمود آنحضرت صلعم هر که باشد نزد او مظلمه برادر
خود باید که در دنیا از و بخشاید که در روز قیامت نه دینار است نه درهم اگر ظالم را عمل صالح باشد
بقدر ظلم عمل او گرفته بمظلوم داده شود و اگر عمل صالح نباشد گناهان مظلوم از وی برداشته
بظالم نهاده شود رواه البخاری عن ابی هریرة و مسلم و ترمذی از ابی هریره روایت میکنند که رسول ص
از یاران پرسید که مفلس کدام کس باشد یاران گفتند مفلس کسی باشد که مال و متاع نداشته
باشد آنحضرت فرمود که مفلس از امت من کسی باشد که در روز قیامت حاضر شود با نماز و روزه
و زکوة لیکن یکی را دشنام داده باشد و یا تهمت زنا کرده باشد و کسی را مال خورده باشد و کسی را
خون ریخته باشد و کسی را زده باشد پس نشانیده شود او را و از و عوض گرفته شود و هر یکی از حسنات او
بگیرد پس چون از حسنات او هیچ نماند و تمام حقوق که بذمه او بود ادا نشده باشد گرفته شود گناهان
مظلومان و نهاده شود بر وی پس او را در دوزخ انداخته شود و رسول فرمود ما من رجل یضرب
عبدا له الا اقید منه یوم القیمة رواه البزار والطبرانی عن عمار و عن ابی هریرة نحوه یعنی هیچ
مردی نباشد که زده باشد غلام خود را مگر آنکه عوض گرفته شود از وی روز قیامت و همچنین حاکم از
سلمان و سعد و ابن مسعود و غیرهم روایت کرده و همچنین طبرانی از ابی امامه ابی برده و انس
روایت کرده و هناد از ابراهیم نخعی روایت کرده که گفته بودند جماعه صحابه و تابعین میگفتند که
اگر مردی دیگری را انگشت این سنگ یا چوب یا خرق روز قیامت خواهد پرسید که تو دیده بودی که
این سنگ یا چوب را خدا آفریده بود مر فایده ظلم چنانچه بر مسلم حرام است بر ذمی هم حرام است که
عهد با او به عهد رسول ص بسته شده رسول ص الا ذمی را رسول فرمود من قذف ذمیا حد له
یوم القیمة بسیاط من النار رواه الطبرانی عن واثلة بن الاسقع یعنی هر که تهمت زنا کند بر ذمی
او را روز قیامت حد زده خواهد شد بدره از آتش و فرمود الا من ظلم معاهدا او انتقصه
من حقه او کلفه فوق طاقته او اخذ منه شیئا بغیر طیب نفسه فانا حجیجه یوم
القیمة یعنی آگاه باشید هر که ظلم کند ذمی را یا کم کند از حق او یا تکلیف دهد او را زیاده از طاقت
او یا گرفت از وی چیزی بی رضامندی او پس من خصومت کننده باشم با وی روز قیامت باید
باید دانست که هر گناهیکه باشد سوای شرک جزای آن متناهی است اگرچه کثیر و شدید باشد لیکن
این احادیث آنست که حقوق عباد خصوصا مظالم هرگز مهمل گذاشته نشود و قصاص آن ضرور

مظلومان را ثواب حسنات ظالمان داده شود تا وقتیکه هیچ از حسنات شان نماند پس اگر مظالم باقی ماند
گناهان مظلومان بر ظالمان نهاده آنها را داخل دوزخ کرده شود پس هرگاه که جزای سیئات شان تمام
شود اگرچه بعد مدت طویل و سوختن ظالمان از مظالم پاک شوند آنزمان داخل بهشت کرده شوند
بمقتضای ایمان که جزای ایمان خلود در بهشت است چنین امام بیهقی گفته لیکن از شامت
مظالم گاه باشد که ایمان سلب شود و نعوذ بالله منها حق تعالی از صدور مظالم در دنیا محفوظ داراد
شعر میازار موری و هرچه خواهی کن ۔ که در شریعت ما غیر ازین گناهی نیست ۔ یعنی در
شریعت محمدی مانند مظالم هیچ گناه نیست فایده اگر بر ذمه شخصی مظالم بود و از آن توبه کند و از
ظلم اجتناب کند و رد مظالم و استرضای مظلومان از مقدور او خارج باشد درینصورت امید
هست که حقتعالی خصمان او را روز قیامت راضی سازد و رسول فرمود رَجُلَانِ مِنْ اُمَّتِیْ
جَثَیَا بَیْنَ یَدَیْ رَبِّ الْعِزَّةِ تَبَارَکَ وَتَعَالٰی فَقَالَ اَحَدُهُمَا یَا رَبِّ خُذْ لِیْ مَظْلَمَتِیْ مِنْ
اَخِیْ فَقَالَ اللّٰهُ اَعْطِ اَخَاکَ مَظْلَمَتَهٗ فَقَالَ یَا رَبِّ لَمْ یَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِیْ شَیْءٌ فَقَالَ اللّٰهُ
کَیْفَ تَصْنَعُ لَمْ یَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِهٖ شَیْءٌ فَقَالَ یَا رَبِّ یَحْمِلُ مِنْ اَوْزَارِیْ وَفَاضَتْ عَیْنَا
رَسُوْلِ اللّٰهِ صلعم بِالْبُکَاءِ وَقَالَ اِنَّ ذٰلِکَ یَوْمٌ عَظِیْمٌ یَوْمٌ یَحْتَاجُ النَّاسُ اِلٰی اَنْ یُحْمَلَ
عَنْهُمْ اَوْزَارُهُمْ فَقَالَ اللّٰهُ اِرْفَعْ رَاْسَکَ فَانْظُرْ فِی الْجِنَانِ فَرَفَعَ رَاْسَهٗ فَقَالَ
یَا رَبِّ اَرٰی مَدَائِنَ مِنْ فِضَّةٍ مُرْتَفِعَةٍ وَمِنْ ذَهَبٍ مُکَلَّلَةً بِاللُّؤْلُؤِ لِاَیِّ نَبِیٍّ
اَوْ لِاَیِّ صِدِّیْقٍ اَوْ لِاَیِّ شَهِیْدٍ هٰذَا فَقَالَ هٰذَا لِمَنْ اَعْطَی الثَّمَنَ قَالَ رَبِّ
وَمَنْ یَمْلِکُ ذٰلِکَ قَالَ اَنْتَ تَمْلِکُهٗ قَالَ لِمَ قَالَ لِعَفْوِکَ مِنْ اَخِیْکَ قَالَ رَبِّ
اِنِّیْ عَفَوْتُ عَنْهُ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی خُذْ بِیَدِ اَخِیْکَ فَاَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ ثُمَّ قَالَ رَسُوْلُ
اللّٰهِ صلعم اِتَّقُوا اللّٰهَ وَاَصْلِحُوْا ذَاتَ بَیْنِکُمْ فَاِنَّ اللّٰهَ یُصْلِحُ بَیْنَ الْمُؤْمِنِیْنَ یَوْمَ
الْقِیٰمَةِ رواه الحاکم والبیهقی وسعید بن منصور عن انس یعنی دو مرد از امت من دو زانو
نشینند پیش رب العزت پس یکی بگوید ای پروردگار مظلمه من از برادر من بگیر و حقتعالی
او را بفرماید که بده مظلمه این برادر خود را او بگوید ای پروردگار هیچ از حسنات باقی نمانده
است حقتعالی مظلوم را بفرماید چه میکنی از حسنات او هیچ باقی نمانده است او گوید ای
پروردگار گناهان من از من بردارد و از شنیدن چشم مبارک آنحضرت صلعم اشک ریخت
و فرمود که آن روز سخت روز باشد مردم محتاج شوند به آنکه کسی گناهان من بردارد و حق تعالی

مظلوم را بفرماید که سر بردار و ببین در بهشت پس سر بردارد و بگوید که الهی شهرهایی بینم از نقره عالی
مرتبه و از زر مرصع بمروارید برای کدام نبی یا کدام صدیق یا کدام شهید خواهد بود این شهرها حق
فرماید که این برای کسی است که بدهد قیمت بگوید ای پروردگار کیست مالک اینقدر حق تعالی فرماید
که تو مالک قیمت آن هستی بگوید از چه چیز فرماید که بخشیدن حق خود برادر خود را او گوید یا رب
بخشیدم از وی حق تعالی فرماید که بگیر دست این برادر و داخل بهشت کن پس رسول فرمود ای
مردم بپرهیز کنید از عذاب خدا و نیکوکاری با خود کنید که حق تعالی روز قیامت در مسلمانان
آشتی خواهد کنانید یعنی هر کرا خواهد و رسول فرمود روز قیامت چون بهشتیان داخل بهشت شوند
و دوزخیان یعنی کافران داخل دوزخ یک آواز دهنده آواز دهد که ای اهل جمیع مظالم را بخشید
و ثواب شما بر خدا است رواه الطبرانی عن انس عن ابی شیخ و امام محمد غزالی گفته که این
احادیث محمول اند بر کسیکه از مظالم توبه کند و آنکه بترک خود را نهاد آن ثواب باشند که حق تعالی در
شان آنها میفرماید انه کان للاوابین غفورا قرطبی گفته که این تاویل خوب است حکم عام
نیست اگر عام بودی کسی داخل دوزخ نشدی سوال اگر شخصی دیگری ظلم کرد بر نفس یا مال
یا آبرو مظلوم را انتقام آن جائز باشد یا نه جواب انتقام بمثل مظلمه و جائز است و زیاده از آن
حرام است و عدم انتقام افضل و اولی قال الله تعالی فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی
علیکم یعنی عوض کنید بر وی مانند آنچه ظلم کرده است بر شما این مرساری را حق است وقال
الله تعالی وان عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به ولئن صبرتم لهو خیر للصابرین
واصبر وما صبرک الا بالله یعنی اگر عوض کنید پس عوض کنید مانند آنچه بر شما کرده است
و اگر صبر پس صبر بهتر است برای صبر کنندگان صبر کن ای محمد و نباشد صبر تو مگر بتوفیق و مدد
او سبحانه قال الله تعالی وجزاء سیئة سیئة مثلها فمن عفا واصلح فاجره علی الله انه
لا یحب الظالمین ولمن انتصر بعد ظلمه فاولئک ما علیهم من سبیل انما السبیل
علی الذین یظلمون الناس ویبغون فی الارض بغیر الحق اولئک لهم عذاب
الیم ولمن صبر وغفر ان ذلک لمن عزم الامور یعنی جزاء بدی آنست که مثل آن
بدی کرده شود پس هر که عوض نکند و بخشد و آشتی جوید پس ثواب او بر خداست بدرستیکه حق تعالی
ظالمان را دوست نمیدارد یعنی دشمن میدارد و هر که عوض گیرد بعد مظلومی در پس نیست بر وی
...

و هر که صبر کند و بخشد مظلمه خود بدرستیکه بهترین چیزهاست رسول فرمود المستبان ما قالا
فعلى البادي منهما ما لم يعتد المظلوم رواه احمد و مسلم و ابوداود و الترمذي عن ابي هريرة یعنی
دو کس با هم بدگوئی کنند گناه هر دو بدگوئی بر کسی است که اول گفته تا که ثانی زیاده نکند از آنچه
اول گفته است و فرمود آنحضرت ع المستبان شيطانان يتهاتران ويتكاذبان رواه احمد
والبخاري في الادب بسند صحيح عن عياض بن حمار یعنی دو کس که باهم بدگوئی میکنند هر دو شیطان
اند باهم کلام باطل میگویند و باهم دروغ گوئی میکنند و قال الله تعالى ولا تستوي الحسنة ولا
السيئة ادفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك وبينه عداوة كانه ولي حميم وما
يلقاها الا الذين صبروا وما يلقاها الا ذو حظ عظيم واما ينزغنك من الشيطن
نزغ فاستعذ بالله انه هو السميع العليم یعنی نیکی و بدی یکسان نیست پس که نیکی تواند
کرد بدی چرا اختیار کند بدی را به نیکی دفع کن یعنی اگر کسی با تو بدی کند تو عوض آن نیکی کن
ازین عمل بدی او برطرف شود و اگر بخشش کنی پس کسیکه با تو دشمنی دارد دوست یگانه قریب
خواهد شد و اخذ نخواهد کرد این صفت را مگر صابران و اخذ نخواهد کرد این صفت را مگر کسیکه نصیبه خدا
نصیب کامل دارد و اگر وسوسه بخاطر تو رسد از طرف شیطان که باز دارد از عمل پس پناه جو از خدا
بدرستیکه خدا سمیع علیم است ۰ از انهاء و مردی گفت یا رسول الله مرا چند غلام اند که مرا دروغ گو
میگویند و خیانت میکنند و نافرمانی میکنند و من آنها را میزنم و دشنام میدهم پس چگونه باشد مرا
از آنها آنحضرت فرمود که خیانت و تکذیب و عصیان آنها با عقاب تو حساب کرده خواهند پس اگر
عقاب تو از عصیان آنها کم خواهد بود ترا فضیلت خواهد بود و اگر عقاب تو بقدر گناه آنها خواهد بود
برابر خواهند شد و اگر عقاب تو از گناهان شان زیاده خواهد بود بقدر زیادتی از تو عوض گرفته خواهد
شد آن مرد گریستن آغاز نهاد گردن گرفت رسول فرمود آیا قرآن نخوانده و نضع الموازين القسط
ليوم القيمة فلا تظلم نفس شيئا وان كان مثقال حبة من خردل اتينا بها وكفى بنا
حاسبين یعنی خواهیم نهاد ترازوهای عدل روز قیامت پس ظلم کرده نخواهد شد هیچکس چیزی
و اگر خواهد بود ظلم بوزن دانه خردل خواهیم آورد و بس ایم حساب کننده آن مرد گفت یا رسول الله
بهتر چیزی نمییابم از جدا کردن آنها بدرستیکه من ترا شاهد میکنم که آنها را آزاد کردم رواه احمد و
ترمذي عن عائشة رض شعر بدی را بدی سهل باشد جزا ٭ اگر مردی احسن الی من اسا ٭
تذییل در حسن خلق و نرمی مذمت تکبر حق تعالی در حق رسول کریم فرموده و انک لعلی خلق عظیم

بدرستیکه تو بر خلق عظیم هستی و فرموده فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ
لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ یعنی بسبب رحمت خداکه
برتست نرم شدی تو برای مردم یعنی کریم و رحیم شدی و اگر میبودی بدخلق سخت دل هر آینه جدا
میشدند از گرد تو پس بخش تقصیرات شانرا و دعای مغفرت کن برای آنها اگر تقصیری کنند
و در هر کار با آنها مشورت کن و حقتعالی در حق خاصان خود میگوید وَعِبَادُ الرَّحْمَٰنِ الَّذِينَ
يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا یعنی بندگان خاص آنانند
که راه میروند بر زمین بنرمی و اگر جاهلان با آنها خطاب بجهل میکنند آنها در جواب آن کلامی گویند
که موجب سلامت باشد از ایذا و گناه رسول فرمود هر که از رفق و نرمی محروم شد از هر خیر محروم
شد رواه مسلم عن جریر و فرمود محبوب ترین شما نزد من کسانند که اخلاق نیک دارند رواه البخاری
عن عبد الله بن عمرو در صحیحین هست بهترین شما نیک خلق ترشماست و رسول فرمود اِنَّ
الْمُؤْمِنَ لَيُدْرِكُ بِحُسْنِ خُلُقِهِ دَرَجَةَ قَائِمِ اللَّيْلِ وَصَائِمِ النَّهَارِ رواه ابو داود یعنی بدرستیکه
مومن در مییابد بنیک خوئی خود مرتبه کسی که تمام شب نماز گزارد و در روز از روزه دارد و فرمود بُعِثْتُ
بُعِثْتُ لِاُتَمِّمَ حُسْنَ الْاَخْلَاقِ رواه مالک فی الموطا و رواه احمد عن ابی هریرة یعنی مبعوث
کرده شده ام تا که تمام کنم حسن اخلاق را و رسول فرمود مَنْ تَوَاضَعَ لِلّٰهِ رَفَعَهُ اللّٰهُ رواه ابو نعیم
فی الحلیة عن ابی هریرة و در حدیث قدسی ست اَلْكِبْرِيَاءُ رِدَائِيْ وَالْعَظَمَةُ اِزَارِيْ فَمَنْ نَازَعَنِيْ
فِيْ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا قَذَفْتُهُ فِي النَّارِ رواه احمد و ابو داود و ابن ماجه عن ابی هریرة و ابن ماجه
عن ابن عباس و روی الحاکم عن ابی هریرة اَلْكِبْرِيَاءُ رِدَائِيْ فَمَنْ نَازَعَنِيْ فِيْ رِدَائِيْ
قَصَمْتُهُ یعنی حقتعالی میفرماید کبریا و تکبر چادر منست و عظمت و بزرگی ازار منست هر که کشاکشی
کند با من چیزی ازین هر دو بیندازم او را در دوزخ و بروایتی هر که چادر من کشد هلاک کنم او را
شعر دادیم ترا ز گنج مقصود نشان ❊ گر ما نرسیدیم تو شاید برسی ❊ رَزَقَنَا اللّٰهُ سُبْحَانَهٗ
مِنَ الْخِصَالِ مَا يَرْضَاهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ تَعَالٰى اَوَّلًا وَّاٰخِرًا وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ وَالْبَرَكَةُ
عَلٰى رَسُوْلِهٖ وَاٰلِهٖ وَصَحْبِهٖ وَمُتَّبِعِ سُنَّتِهٖ بِعَوْنِهٖ تَعَالٰى

در مطبع محمدی واقع لاهور بفرمایش تاجران نامی فقیر الله و عبد العزیز
و ابن احمد حامی فهم الله رزقا وسیعا مطبوع گردید

RULES :-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over-due.